

نبرد خلق

شماره ۳۰۶
دوره چهارم سال بیست و ششم
اول دی ۱۳۸۹

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله

برکناری متکی، راس موقتی منحنی شکاف در قدرت

منصور امان

« در پروسه نبردې که موضوع مرکزی آن را نجات، حفظ یا گسترش قدرت سیاسی و منافع آن تشکیل می دهد، جملگی عوامل دخیل و ذی نفع در میدان و نه فقط سپاهی لشکرها، آماج تیرهایی قرار می گیرند که از هر سو پرتاب می شود. »

در صفحه ۳

جراحی همراه با سرکوب برای مقابله با گسترش اعتراضهای مردمی

زینت میرهائمی

در صفحه ۴

زاپاتیستا، نخستین جنبش مسلحانه دوران جدید علیه

جهانی سازی

جهان در آینه مرور.....

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از
جنگ سرد (۷)

لیلا جدیدی

«گردهماییهایی که زاپاتیستا برای ارتباط با جهان بر پا کردند، در نهایت میوه داد و به جنبش سیاتل در سال ۱۹۹۹ انجامید زیرا جنبش سیاتل، جنبشی شبکه ای گلوبال بود که پایگاه خود را در سال ۱۹۹۸ سازماندهی کرده بود؛ سازماندهی که ریشه در میتینگ "لا ریلیداد" در چیپاس داشت. در این میتینگ فراخوان شرکت در تظاهرات سال ۱۹۹۹ زیر نام N30 علیه نشست سازمان تجارت جهانی در سیاتل داده شد.»

در صفحه ۱۰



یادمان چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل

کلن - آلمان

شنبه ۵ فوریه ۲۰۱۱

صفحه ویژه

چهلمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل
<http://www.iran-nabard.com/40%20sal/index-40.htm>

فراخوان

مقاله، شعر، عکس، طرح، سند، خاطره و ...
ارسال کنید.

email@iran-nabard.com

تحولات عراق

آناهیتا اردوان

- * تصویب قانون الغای احکام ریشه کنی بعث در پارلمان عراق و لغو یک سری تحریمها علیه عراق در شورای امنیت سازمان ملل
- * ویکی لیکس هم بر امر وابستگی مالکی و دخالتهای رژیم ایران در عراق صحنه گذاشت
- * اعتراض روشنفکران عراقی به سیاستهای نوری المالکی، تشدید ترور روشنفکران عراقی

در صفحه ۱۲

یادداشت سیاسی

ریل گذاری جدید برای ولایت خامنه ای

مهدی سامع

« بنابرین در ریل گذاری جدید در سلطنت مطلقه آقای خامنه ای همان میزان بسیار محدود و در چارچوب نظام که طی ۳۰ سال گذشته اجرا شده به پایان می رسد و سلطان مطلق العنان حکم می کند که «مردم نیز حق ندارند» کسی را که نمی خواهد گماشته دربار خامنه ای باشد را انتخاب کنند.»

در صفحه ۲

ویکی لیکس، شفافیت

اطلاعاتی یا ادامه

پنهان کاری

جعفر پویه

«جهان امروز سکوت کنندگان را طرد می کند و نیازمند کسانی است که بی پروا در مقابل دروغگویان سینه سپر می کنند و با صدای بلند واقعیات را به زبان می آورند. این راز بزرگ غولی است که ویکی لیکس از بطری آزاد کرده است. با هیچ ترفندی حتی از نوع اتهام جنسی، این غول به بطری باز نخواهد گشت.»

در صفحه ۸

مجاهد خلق مهدی فتحی

پس از یک سال مقاومت در

مقابل سرطان، به دلیل ممانعت

نیروهای عراقی از

معالجه به موقع،

در اشرف در گذشت

در صفحه ۱۴

« ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

گاه متناقض» ۳۰ ساله گذشته غلبه کند.

خامنه ای در سخنرانی اش فراموش نمی کند که با ایده «توسعه» که در عصر کنونی بدون دموکراسی و حکومت عرفی قابل اجرا نیست هم مرزبندی کند. او می گوید: «کلمه توسعه، یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آنها موافق نیستیم، بنابراین از کلمه «پیشرفت» استفاده شد ضمن این که وام نگرفتن از مفاهیم دیگران، در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است.» ولی فقیه به درستی بر متعارف و جهانی بودن کلمه توسعه تاکید می کند تا خود را از شر هر بحثی که پشتوانه علمی و عملی جهانی دارد خلاص کند. او می خواهد در ریل گذاری جدید برای ولایت مطلقه اش با دست باز الگو سازی کند و با الگوی «اسلامی-ایرانی پیشرفت» و با تکیه بر پاسداران سرکوبگر و ارادل و اوباش بسیجی، جامعه ایران را به سوی تباهی سوق دهد.

*

در ماه گذشته طی یک عملیات انتخاری در چاه بهار تعدادی از شهروندان ایرانی به قتل رسیدند. پیرامون این رویداد فاجعه بار نوشته کوتاهی با عنوان «رژیم ایران پدر خوانده تروریسم است» برای تلویزیون آسوسات ارسال کردم که در برنامه های این تلویزیون پخش گردید. متن کامل آن نوشته به قرار زیر است. روز چهارشنبه ۲۴ آذر برابر با ۱۵ دسامبر طی یک عملیات تروریستی و ضد انسانی در شهر فقر زده چاه بهار در استان سیستان و بلوچستان شماری از شهروندان غیر نظامی کشته و مجروح شدند. مسئولیت این عملیات انتحاری که همزمان با مراسم عزاداری در روز تاسوعا (۹ محرم) صورت گرفت را گروه جندالله به عهده گرفت. تردیدی نیست که این گونه اقدامات نفرت انگیز که منجر به کشته و زخمی شدن شهروندان غیر نظامی می شود نمی تواند به سود مبارزه آزادیخواهان هیچ بخش از مردم ایران باشد و به شدت محکوم است. استبداد مذهبی حاکم بر ایران که خود پدر خوانده تروریسم در جهان است با دستاویز قرار دادن چنین اقداماتی می کوشد چهره سیاه و دستان خون آلود خود را پنهان کرده و تبعیض ملی و مذهبی را موجه جلوه دهد. رژیم ولایت فقیه که بنیاد آن نفی حاکمیت مردم است برای جان شهروندان ایران کوچکترین ارزشی قابل نیست و آن چه بر مردم محروم و ستمدیده سیستان و بلوچستان می گذرد نمونه کاملی از ظلم و ستمی است که از جانب حاکم چنایتکار تهران بر مردم وارد می شود. بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی ...

ریل گذاری جدید برای ولایت خامنه ای

مهدی سامع

بر اساس آن به تمامی شرکای قبلی پیام می دهد که دوران ۳۰ ساله «حرکتهای گاه متناقض» در حال پایان یافتن است. در ادامه سخنرانی، خامنه ای این حرف را صریح تر بیان می کند و می گوید: «در اسلام [بخوانید ولایت خامنه ای] کسی که اهل استعلا و برتری طلبی است و یا همه چیز را برای خود می خواهد حق ندارد قدرت را قبول کند و مردم نیز حق ندارند چنین شخصی را انتخاب کنند.» بنابراین در ریل گذاری جدید در سلطنت مطلقه آقای خامنه ای همان میزان بسیار محدود و در چارچوب نظام که طی ۳۰ سال گذشته اجرا شده به پایان می رسد و سلطان مطلق العنان حکم می کند که «مردم نیز حق ندارند» کسی را که نمی خواهد گماشته دربار خامنه ای باشد را انتخاب کنند. از این صراحت کلام در نفی حق مردم نباید تعجرت کرد زیرا دیکتاتورها در تکامل حاکمیت خود به نقطه ای می رسند که ناچارند به طور شفاف قدر قدرتی خود را به رُخ همگان بکشند.

خامنه ای به همین میزان خط و نشان کشیدن برای نهادهای دوران ۳۰ ساله قبلی هم قناعت نمی کند و شکل سازمانی برای پیشبرد طرح خود را مشخص کرده و می گوید: «تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، به علت ماهیت بالا دستی این الگو، در دولتها و مجالس امکان پذیر نیست» و بنابراین لازم است «مرکز و ستادی که برای پیگیری این کار تشکیل می شود به حمایت و پشتیبانی از خبگان و صاحب نظران، مسیر دستیابی به هدف بسیار مهم تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را تسهیل» کند. آیا می توان تردید کرد که هدف خامنه ای چیزی جز بی خاصیت کردن مجلس و مجمع تشخیص است. مگر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین برنامه های سیاسی اقتصادی به عهده مجمع تشخیص و مجلس نیست؟ ولی فقیه با دور زدن این نهادها دوران جدیدی را بشارت می دهد و البته این که بتواند به این هدف نائل شود و یا نتواند موضوع جداگانه ای است. تدبیر آقای خامنه ای برای غلبه و یا حداقل مهار بحران غیرقانونی این است که کل قانون را ملغی کند و با موقعیت فرا قانونی خود هر قانون دست و پاگیر را به سطل زباله بریزد تا اگر بتواند به عنوان آخرین راهکار برای حفظ ولایت بر «حرکتهای

تکنای کامل بود. باید طرحهای قبلی دور ریخته شود تا سلطنت مطلقه بتواند امنیت خود را تامین کند. گماشته ولی فقیه بیپوده نگفته بود که «جهان در حال احمدی نژادی شدن» است. برای چنین جهانی ولی فقیه باید در ابتدا محیط زیست ایران را احمدی نژادی کند و بر این مینا تمامی طرحهای قبلی را بُر بزند تا بازی به شکل مورد دلخواه حاکم مستبد جریان یابد.

خامنه ای در این سخنرانی حرف اسفندیار رحیم مشایی را به شکل دیگر تکرار کرد و «مبانی، ویژگیها و ابعاد الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» را توضیح داد. رحیم مشایی از «مکتب اسلام ایرانی» صحبت کرده بود که موجی از خشم در بین روحانیت، پاسداران نظام و سفلگان دین فروش برانگیخت و خامنه ای از «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» صحبت کرد و همه آنهایی که علیه رحیم مشایی غوغاسالاری کرده بودند، حقیرانه سکوت کردند. نه آقای جنتی حرفی زد و نه پاسدار فیروزآبادی. برای جیره خواران قدرت، البته این یا آن برداشت از دین و مذهب مهم نیست. آنانی که حیات ننگین خود را در بقای سلطنت مطلقه خامنه ای می دانند، آگاهند که کجا باید عربده کشی کنند و در کجا باید سر خم کنند.

اما نکته مهم در سخنرانی آقای خامنه ای موضوع «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و یا به قول اسفندیار رحیم مشایی «مکتب اسلام ایرانی» نبود. او در سخنرانی خود در مورد الگوی راهبردی مورد نظرش حرف زد و با تاکید و تکرار گفت «این الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه ای و چشم اندازی کشور خواهد بود.» سند بالادستی، اسم رمزی برای بی خاصیت کردن «مجمع تشخیص مصلحت نظام» به ریاست علی اکبر هاشمی رفسنجانی است. این نکته اصلی در سخنرانی خامنه ای بود که بر اساس آن و به گفته خودش «تعیین مسیر و نوعی ریل گذاری برای آینده کشور [بخوانید ولایت خامنه ای] است.

خامنه ای در تعریف الگوی راهبردی آن را مساوی «نقشه جامع» دانست و گفت «بدون نقشه جامع، همچون برخی مسائل فرهنگی یا اقتصادی ۳۰ سال گذشته، دچار حرکتهای گاه متناقض خواهیم شد.» این دومین نکته مهم در طرح خامنه ای است که

در میان رویدادهای مهم ماه قبل سخنرانی ولی فقیه رژیم جای مهمی در تحلیلهای سیاسی به خود اختصاص نداد. جنبش دانشجویی در ۱۶ آذر، قیامهای پراکنده سراسری در روز عاشورا، برکناری حقارت آمیز متکی، عملیات تروریستی در چاه بهار و متعاقب آن اعدام وحشیانه و شتابزده ۱۱ تن از هموطنان بلوچ، دستگیرها و اعلام محکومیتهای ظالمانه و همزمان مقاومت دلیرانه زندانیان سیاسی و بالاخره اجرایی شدن قانون حذف پارانه ها از جمله رویدادهای مهم در آذر ماه بودند. شاید حجم رویدادها به گونه ای بود که این سخنرانی که به گمان من پیام مهمی در آن وجود دارد مورد توجه قرار نگرفت.

آیت الله خامنه ای در سه شنبه شب ۹ آذر در نخستین نشست اندیشه های راهبردی در حضور عده ای از خبگان ولایتش طرح جدیدی برای پیشبرد سیاستهای نظام ولایت فقیه ارائه داد که متن سخنرانی اش روز بعد (۱۰ آذر) در سایت ولی فقیه انتشار یافت. در مورد تدارک این نشست، واعظ زاده به عنوان دبیر این نشستها گفت: «ایده اولیه تشکیل نشستهای راهبردی حدود ده ماه قبل از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی ارائه شد که بعد از تشکیل دبیرخانه و رایزنی با اندیشمندان، اساتید، فضلا، و صاحب نظران دارای تجربه، موضوع اولین نشست از سلسله نشستهای راهبردی «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» انتخاب شد.»

با این توضیح روشن می شود که خامنه ای پس از ۲۲ بهمن سال قبل دستور تشکیل این نهاد جدید را صادر کرده است. او خود این سوال را مطرح می کند که «چرا این مقطع زمانی برای تدوین این الگو انتخاب شده است»، و پاسخ می دهد که «تجربه های مترکب و معرفتهای انباشته شده در سی سال گذشته نشان می دهد که مقطع فعلی، زمان مناسبی برای آغاز این راه است.» زمان مناسب به طور سراسری و بُلهدسانه انتخاب نشده است. بسیج گله های سرکوبگر در ۲۲ بهمن سال قبل و جلوگیری از گسترش جنبش توده ای در ابعاد وسیع، برای غلبه بر بحران غیرقانونی کافی نیست. تا وقتی شکاف در بالا به شکل حاد وجود دارد و در شرایطی که هر روز خشم و نفرت مردم انباشت می شود، باید به فکر خانه

سرمقاله

برکناری متکی، راس موقتی منحنی شکاف در قدرت

منصور امان

اسلامی توسط نیروهای "مُدّره" درونی آن را از دست داده اند.

این شکست متکی نیست

با این حال، کوه خرده ریزهای جمع شده از آوار سیاست خارجی را وزیر بخت برگشته، آقای مُتکی نیست که چاره به دست در برابر بارگاه ولایت تلنبار کرده است. او نه به لحاظ تقسیم درونی وظایف در هرم قدرت از چنان جایگاه تاثیر گذاری برای وارد آوردن خسارت‌هایی در این ابعاد برخوردار بود و نه به لحاظ موقعیت فردی، مَهَره ای کلیدی در باند خود و به این اعتبار، پُر نفوذ در هیرارشی قدرت به حساب می آید.

آقای مُتکی همچون پیشینیان خود آقایان ولایتی و خرازی، مُجری تدبیرهایی بود که در ادبیات رایج جمهوری اسلامی "سیاست‌های کلان نظام" خوانده می شود و توسط بُندپایه ترین مقام در سلسله مراتب قدرت یعنی، "رهبر" طرح یا در مورد آن تصمیم گیری می شود. از این رو، شکست‌های زنجیره ای در پهنه بین المللی و ناتوانی در کوتاه نگه داشتن شعله های زبانه کشیده از بُحران اُمّی نیز در حقیقت ریشه در استراتژی‌هایی دارد که "نظام" - اسم مُستعار آیت الله خامنه ای - طراحی و به زیر مجموعه خود وصله زده است.

با این حال، حتی اگر آقای خامنه ای مایل باشد، برای فرار از مسوولیت و آدرس اشتباهی دادن، مُجری ویتربینی این سیاست‌ها را دراز و بلاگردان خود کند، شیناخته شدگی و بیژگی تصمیم گیری اُفق در جمهوری اسلامی و منشا مورد تاکید "سیاست‌های کلان نظام"، این امکان را از او سلب کرده است. هر اقدامی در این جهت که حتی به گونه ضمنی نشان از شکست در این دسته سیاست‌ها داشته باشد، در درجه اول خود او را زیر سوال خواهد برد.

از سوی دیگر، بیهوده بودن چنین مسائوری را نوع آرایش ساختاری حکومت برای مُدبیریت مرکزی ترین موضوع سیاست خارجی آن یعنی، بُحران هسته ای از پیش تعیین کرده است. در این ساختار، وزارت خارجه حداکثر نقش حاشیه ای ایفا می کند و بازیگر اصلی، شورای امنیت ملی به عنوان بازوی اجرایی "رهبر" به حساب می آید. مَهَره چینی مزبور تا آنجا اکید و قطعی است که وزیر خارجه حتی در گفتگوهای اُمّی شرکت داده نمی شود.

بقیه در صفحه ۴

اتحادیه اروپایی به عنوان مهم‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی، تحریم‌های فلج کننده ای را علیه آن به دست اجرا گذاشت. رویکرد سرسختانه اروپا را به ویژه از پهنه های هدف گذاری شده آن می توان دریافت که سرمایه گذاری در بخش‌های نفت و گاز و ارتباطات مالی و بیمه ای را در بر می گرفت. این دو حوزه، سرچشمه اصلی علایق استراتژیک اروپا در نزدیکی به ایران به حساب می آید.

تأثیر بی واسطه جهه گیری روشن قدرتهای اقتصادی و مالی جهان بر مناسبات بین المللی در ابتدای آبان ماه خود را به نمایش گذاشت؛ زمانی که دولت نیجریه خبر داد یک محموله سلاح و مهمات قاچاق ارسال شده توسط جمهوری اسلامی را کشف کرده است. حضور شتابان وزیر خارجه رژیم ولایت فقیه در این کشور برای خنثی کردن امکانات معمول نیز موجب پایان گرفتن این رسوایی نشد. برعکس، نیجریه اندکی بعد، پرونده آقای خامنه ای و سپاه پاسداران وی را به شورای امنیت فرستاد و سپس رویدادهای مُرتب از همین گوشه جهان، مُسلسل وار روی "نظام" باریدن گرفت.

نخست، باز هم نوبت نیجریه بود که از کشف یک محموله قاچاق ارسالی دیگر از جمهوری اسلامی و این بار "هرویین مرغوب" خبر دهد. اندکی بعد (۲ آذر) گامییا مناسبات خود با رژیم جمهوری اسلامی را قطع کرد و در آخرین تحول در رابطه با ماجراجوییهای خارجی باند ولایت، در ۲۴ آذر دولت سنگال نیز به نشانه اعتراض سفیر خود را از تهران فراخواند.

مُستقل از تنبیهات اقتصادی و اقدامات دیپلماتیک، حاکمان ایران یک پیام سیاسی قوی نیز دریافت کردند. پارلمان اروپا در اوایل آذر ماه قطعنامه ای را به تصویب رساند که در آن از دولت آمریکا خواسته می شود از سیاست اروپا پیروی کرده و نام بزرگترین گروه سازمان یافته اپوزیسیون رژیم مُلاها، سازمان مُجاهدین خلق را از لیست گروه‌های تروریستی خود حذف کند. اعمال محدودیت بر این سازمان زیر پوشش‌های قانونی و حتی به کارگیری روش‌های سرکوبگرانه علیه آن (فرانسه) همواره نزد اروپا و آمریکا نقش یک در پُشتی برای نزدیکی و رفت و آمد با حاکمان ایران را ایفا می کرده است. اکنون آنها اطلاع می دادند که مُراوده با شرکای پیشین را بیهوده می بینند و امید خود به تغییر سیاست جمهوری

اگر رویدادهایی که از خرداد ماه به گونه مُسلسل وار در پهنه بین المللی علیه جمهوری اسلامی شکل گرفته مرور شود و حرکت نیرویی که این پروسه را به جلو می راند، نقشه گذاری شود، آنگاه برکناری مُدبیر اجرایی سیاست خارجی در کابینه، آقای متکی چندان شگفتی آفرین نخواهد نمود. با این همه، شکست‌های پیاپی دیپلماتیک و انزوای روزافزون بین المللی با پیامدهای بسیار مخاطره آمیز و پُر هزینه، دلیل اصلی اخراج وی از دولت نظامی - امنیتی را نمی تواند توضیح بدهد؛ علت را باید در داخل و در تحولات شتاب یافته درونی در دستگاه قدرت جستجو کرد. فاکتور خارجی در این معادله، نقش نیشتری را ایفا کرده که بر یک دمل امامس کرده فرود آمده است.

زیر فشار بین المللی

لیست ناکامی‌های که دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی در برابر خود دارد و به ظاهر آقای مُتکی انتخاب شده تا صورت حساب آن را بپردازد، تقریباً به اندازه پایاپای با ماجراجویی‌هایی است که "نظام" دست زدن به آنها را در حد توان خود دیده در پی اجرایی کردن آن برآمده است. اگر حکومت در گذشته از عهده پرداخت مخارج اقدامات خود برمی آمد، بی گمان نه به علت کنجشایی و توانایی کشیدن بار آن بلکه، به دلیل سبک بودن هزینه ای بود که به پایش منظور می شد. این واقعیت را زمین گیر شدن سیاست خارجی در پی تصمیم طرف‌های خارجی برای فراخواندن آن به پای صندوق به نمایش گذاشته است.

در ۱۹ خرداد، شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های جدیدی را علیه افراد و شرکتهای مُرتب با برنامه هسته ای جمهوری اسلامی و همچنین خطوط کشتی رانی آن به تصویب رساند. شورای امنیت همچنین مُبادلات تسلیحاتی با رژیم ایران را ممنوع و بازرسی از محموله های هوایی و دریایی به مقصد ایران را خواستار شد.

مهم تر از مُتاد اجرایی این قطعنامه، کارکرد آن به مثابه فراهم آورنده بستر حقوقی لازم برای تدابیری بود که در چارچوب ارزیابی شورای امنیت از بُحران هسته ای جمهوری اسلامی قرار دارد اما دایره مُجازات‌های تعیین شده توسط آن را گسترش می بخشد. بر این اساس، با فاصله کوتاهی پس از تصویب قطعنامه مزبور، در ۲۹ خرداد،

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

جمهوری اسلامی در نقش پدر خوانده تروریسم بین المللی مشوق تمامی انواع تروریسم است و طی ۸ سال گذشته به فجیع ترین صورت عملیات تروریستی در عراق را هدایت کرده است.

بر اساس اسناد محرمانه وزارت امور خارجه آمریکا که توسط پایگاه اینترنتی ویکی لیکس انتشار یافته گزارش شده که رژیم ایران از سال ۲۰۰۳ تاکنون ۱۸۲ خلبان عراقی را کشته است. علاوه بر این بیش از صد تن از شهروندان ایرانی در قتل‌های زنجیره به دست ایادی همین رژیم در داخل ایران ترور شده اند.

صدها تن از ایرانیان در خارج از مرزهای ایران به دستور عالی ترین مقامات رژیم ایران ترور شده اند که یک دادگاه در شهر برلین به یک نمونه آن که قتل چهار ایرانی در رستوران میکونوس بود رسیدگی کرد و علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، ولایتی و علی فلاحیان را به عنوان امران این جنایت تروریستی معرفی کرد.

بیان اقدامات تروریستی رژیم ولایت فقیه در داخل و خارج از ایران، طی سی سال گذشته بدون گوچکترین اغراق به هزاران مورد می رسد. اما جمهوری اسلامی و نظریه پردازان آن با دروغ‌گویی و تگلکاری برای پنهان کردن چهره جنایتکار خود نعل وارونه می زنند.

محمدجواد لاریجانی در سمت دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضاییه رژیم ایران که وظیفه اش ردگم کردن و آدرس غلط دادن در مورد تروریسم دولتی جمهوری اسلامی است، اخیراً در مصاحبه ای گفته است: «بنده معتقدم مرکزیت واحدی در غرب نقشه تروریستی می کشد و افرادی را مشخص و اهداف را تعیین و سپس با کمال سبوعیت آن را به مرحله اجرا می گذارد. در این راستا ما نباید دنبال هیچ مسأله فرعی برویم؛ زیرا کاملاً روشن و واضح است که مسوولیت چنین جنایاتی بر عهده آمریکا و دول اروپایی به خصوص انگلستان است.»

آن چه در این گفته لاریجانی شده عملکرد تروریستی نظام حاکم بر ایران است که هزاران ترور در پرونده اش به ثبت رسیده است. با محکوم کردن عملیات تروریستی در چاه بهار با تاکید باید گفت که مسوول همه فجایعی که در کشور ما می گذرد رژیم حاکم بر ایران است و با وجود این رژیم استبدادی مردم بی گناه ایران هر روز بیش از روز قبل قربانی می شوند.

جراحی همراه با سرکوب برای مقابله با گسترش اعتراضهای مردمی

زینت میرهائمی

فعالان کارگری و سندیکایی که دستگیر شده‌اند و حضور آنها در سیاهچالهای رژیم را اضافه کرد. مجریان و مبلغان طرح حذف یارانه‌ها، برای تکمیل سرکوب و فشار در عملی کردن طرح فوق، از خدا و امام زمان تا آمار و ارقام غیر واقعی را به خدمت گرفته تا بتوانند از خیزشهای اجتماعی اعتراضی به هر طریقی جلوگیری کنند. احمدی نژاد برای فریب مردم ادعا کرد که می‌خواهد مردم فقیر سر سفره شان گوشت داشته باشند. در حالی که طرح فوق فقر و بیکاری را افزایش خواهد داد و در نتیجه به طور مستقیم بر وضعیت آموزش و بهداشت تاثیر مستقیم خواهد داشت. وی در اولین ساعات اجرای طرح بر سر چاه چمکران رفت تا بگوید قیمت بنزین را امام زمان تعیین کرد.

در محاسبه‌ای ساده می‌توان دید که ماهی ۴۰ هزار تومان که قرار است به افراد کم درآمد داده شود، در برابر افزایش قیمتها در همه ابعاد از خوراک، حمل و نقل تا بهداشت و ... بسیار ناچیز است. مهمتر این که یارانه‌هایی که احمدی نژاد با آن تلاش می‌کند کام عده‌ای را شیرین کند، بنا به شرایط ناپایدار اقتصاد ایران و نیز بحرانی بودن تولید و صنعت هیچ حساب و کتابی نخواهد داشت. در کشوری که نقدینگی بالاست، تورم بالاست، با بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی مرتب مواجه هستیم، چطور می‌توان برنامه‌ای برای یارانه‌ها تنظیم کرد. یک حکومت فاسد و غیر دموکراتیک هیچ‌گونه توانایی تنظیم چنین برنامه‌هایی را ندارد.

چگونگی هزینه کردن ۴۰ هزار تومان ناقابل

ارزش پول پرداخت شده به مردم مثل هر کالای دیگری با وجود تورم بالا به زبان رحمتکشان عمل می‌کند و مضحک این است که برای نوع خرج کردن این پول ناچیز رهنمود می‌دهند. احمدی نژاد با شیبادی گفته است که با این پول آنهایی که توان گوشت خوردن نداشتند حالا سر سفره شان گوشت می‌آید و حتی می‌توانند بخچال و ... بخرند. کسانی که تا دیروز امکان خوردن گوشت نداشتند چطور می‌توانند با قیمت‌های جدید گوشت بخورند. احمدی نژاد قبلاً به طور مضحکی به مردم توصیه کرده بود که با این پول بقیه در صفحه ۵

مطالبات مشخص و مشترکی در برابر کارگران و مزدبگیران ایران در چشم انداز قرار دارد. این مطالبات افزون بر موارد همیشگی مانند اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، اخراج، بیکاری، برخوردار نبودن از تشکیل یابی مستقل و ... است. اجرایی شدن طرح حذف یارانه‌ها همراه با افزایش قیمت مواد و وضعیت معیشتی سخت تری را در برابر توده مردم و به ویژه کارگران و مزدبگیران قرار می‌دهد. حذف سوبسید روی کالاهای انرژی بر، بدون شک تاثیرات زبان آوری روی همه بخشهای زندگی مردم خواهد گذاشت. در این شرایط تلاش فعالان کارگری وارد مدار جدیدی برای تشکیل یابی و سازمانیابی مبارزه خواهد شد.

در برابر جراحیهای نئولیبرالی تنها و تنها، مبارزه سازمان یافته کارگران و مزدبگیران در پیوند با مبارزه گسترده مردمی می‌تواند تیغ آن را کند کرده و از کار بیاندازد. دولت احمدی نژاد در بی رحمانه ترین شکل تصمیم به حذف سوبسید از کالاهای پایه‌ای گرفت. کاری که دولت‌های رفسنجانی و خاتمی موفق به آن نشدند، تنها مزدبگیران و کارگران را به زیر فشار و فقر نمی‌کشاند بلکه اکثریتی از مردم را به تندگستی و فقر مطلق می‌کشاند. این طرح بی‌عدالتی را گسترش داده و اردوی بیکاری و فقر را تومندتر می‌کند.

دستگیری، تهدید و به زندان انداختن فعالان کارگری در آستانه به اجرا گذاشتن طرح فوق، نشاندهنده ترس رژیم از گرمای آتش جنبشی است که خود را برای دستیابی به حقوق خود هر چه بیشتر سازمان می‌دهد. تشکیل پایب و مبارزه‌ای هدفمند و جمعی، دقیقاً آن نکته‌ای است که رژیم برای مقابله با آن همه ابزار سرکوبش از عوامفریبی تا داغ و درفش را به میدان می‌آورد. معاون وزارت کار روز شنبه ۲۷ آذر، در گفتگویی با بخش اقتصادی خبرگزاری دولتی فارس، از رشد ۲۵۷ درصدی تشکلهای کارگری در سال ۸۹ خبر داد. این گونه آمار دادن را هم باید در ردیف آمارهای احمدی نژادی گذاشت.

این کارزار رژیم در حالی این حرف را می‌زند که کارگزاری دیگر خبر از حذف حتی تشکلهای کارگری دست ساخته حکومت در کمیته دستمزد می‌دهد. همچنین باید افزایش شمار

سرمقاله

بقیه از صفحه ۳

بنابراین، دستکم وزیر خارجه، پرواز ترین قربانی‌ای نیست که می‌تواند نیاز آقای خامنه‌ای به رفع بلا را برطرف کند. برعکس، او در صورت ارتکاب چنین اشتباهی، به گونه خودغرضانه، اتهام بی‌کفایتی یا ناکارآمدی علیه خود را تقویت کرده است.

مفهوم واقعی برکناری وزیر خارجه

این اتفاق اکنون به شکل دیگر و با برکناری ضرریتی و غیرعادی آقای منکی که حتی فرصت صحنه‌سازی برای وانمود کردن یک جا به جایی عادی را سوزانده، روی داده است. تمام اعتراضها و شکوه‌هایی که این روزها توسط طیف رقیب دولت ابراز می‌شود و روی شکل برکناری وزیر خارجه متمرکز گردیده، تلاش آگاهانه‌ای برای منحرف ساختن توجهات از مفهوم محتوایی این تحول است. مساله آن گونه که اینان برای سرخ کردن صورت آقای خامنه‌ای با سیلی عنوان می‌کنند، "برکناری اهانت آمیز" وزیر خارجه نیست، بلکه خود "برکناری" و تصمیم‌گیری در باره مقامی است که عزل و نصب در آن برای "رهبر" رزرو شده است. به بیان دیگر، گماشته آقای خامنه‌ای، نه تنها توافق نانوشته در دستگاه قدرت بر سر این موضوع را زیر پا گذاشته و پا برهنه وارد حوزه اختیارات "رهبر" شده، بلکه با کشیدن صندلی از زیر فردی که "رهبر" او را بر نشانده، به گونه آشکار، ناکامی "سیاستهای کلان" را نیز به رخ کشیده است.

تاثیر خرد کننده این حرکت بر اتوریته آیت الله خامنه‌ای به ویژه هنگامی روشن تر می‌گردد که در نظر گرفته شود وی در جریان خیزش گرایش نظامی - امنیتی دولت برای خنثی کردن وزارت خارجه از طریق تعیین نماینده ویژه، به گونه صریح و علنی با این اقدام مخالفت ورزید و آن را "موازی کاری" نامید.

پشتیبانی "رهبر" از آقای منکی به ظاهر می‌بایست نقطه پایانی بر درگیری در این پهنه بگذارد اما جریان رویدادها نشان داد که او فقط توانست اندکی زمان بخرد تا جدال با شدت بیشتر و این بار بدون ماسک و حرکت پاورچین از نو در بگردد. تنها تاثیر مداخله آقای خامنه‌ای در این نزاع در نقش "فصل الخطاب"، این بود که آقای احمدی نژاد ایده‌ی حفظ ظاهر را کنار بگذارد و برای تصرف سنگر رقبای که اکنون پرچم تحت‌الحمایگی

"رهبر" نیز بر فراز آن می‌وزید، از روبرو دست به حمله بزند. همین امر، دامنه‌ی اقدام مزبور را فراتر از تنها یک آرگان بوروکراسی (وزارت خارجه) و مفهوم سیاسی آن را عمیق تر از تصفیه رقیب از قدرت دولتی جلوه گر می‌سازد.

یک پلاتفرم از اعتبار ساقط شده

اهمیتی که آقای منکی در تحلیل این رویداد می‌یابد، نه به خاطر وزن سیاسی خود او بلکه، به دلیل جایگاه نمادینی است که در ترکیب قدرت سیاسی داشت. او معرف یک وضعیت مشخص در آرایشی است که پس از خیزش ۸۸ به گونه تدریجی اما دایمی در حال برهم خوردن و پیوستن به گذشته است.

حضور آقای منکی در کابینه از یک طرف سازش "اصولگرایان" و به بیان روشن تر، دو گرایش اصلی باند ولی فقیه یعنی، فراکسیون نظامی - امنیتی دولت و راست سنتی را عینی می‌ساخت و علامتی از موافقت دسته نخست با تقسیم قدرت به حساب می‌آمد و از طرف دیگر، زیر اتوریته "رهبر" که از طریق بندبازی و ایجاد توازن بین گرایشهای رقیب در باندش، جایگاه خویش را تحکیم می‌کرد، خط تاکید می‌کشید.

اکنون هر دوی این توافقها که آقای منکی پلاتفرم عملی آن به شمار می‌رفت، زیر پا گذاشته شده است. به همان اندازه که منحنی رو به بالای شکاف بین فراکسیونهای که قدرت سیاسی را از سال ۸۴ با بیرون راندن قطعی جناح حکومتی "اصلاح طلب" از دایره فرمانروایی در دست گرفتند، جدید ترین نمود آن یعنی، تصفیه رقبای از وزارت خارجه را نیز فهم پذیر می‌سازد، زاویه دیگر این مجموعه دوگانه که به نقش "رهبر" و تاثیر پذیری او از کشاکش فراکسیونهای باندش بر سر انحصار قدرت تعلق دارد، هنوز به درستی زیر نور توجه قرار داده نشده است.

برآمد

درگیری بین جناحهای حکومت یک تحول بسته و در خود نیست. همان گونه که فاکتورهای عامل این شکاف متنوع و با درجه تاثیر متفاوت پدیدار می‌شود، دامنه آثار آنها نیز چند وجهی و پیچیده است. در پروسه نبردی که موضوع مرکزی آن را نجات، حفظ یا گسترش قدرت سیاسی و منافع آن تشکیل می‌دهد، جملگی عوامل دخیل و ذی نفع در میدان و نه فقط سیاهی لشکرها، آماج تیرهایی قرار می‌گیرند که از هر سو پرتاب می‌شود.

جراحی همراه با سرکوب برای مقابله با گسترش اعتراضهای مردمی

بقیه از صفحه ۴
حساب ذخیره ای برای فرزندان خود ایجاد کنند.

خبرگزاری حکومتی مهر روز دوشنبه ۲۹ آذر نوشت که تعدادی از مراجع از تعلق گرفتن «خمس» بر یارانه ها صحبت کرده اند. بنا به گزارش این خبرگزاری آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی در پاسخ به سوال تعلق گرفتن خمس بر یارانه ها گفته است که «چنانچه این کمک به لحاظ استمرار و مقدار بتواند بخشی از مؤنه زندگی را تامین کند و در مؤنه سال مصرف نشود باید خمس آن پرداخت شود.» این فریبکاران طوری تبلیغ می کنند که گویا جیبهای مردم پر از پول و سفره ها پر از خوردنی شده و حالا این کادوی ۴۰ هزار تومانی را ذخیره می کنند، پس سهم حوزه ها هم در شکل خمس باید پرداخت شود. مردم اما از شدت سرکوب فهمیده اند که رژیم از جنبش اعتراضی آنان وحشت دارد.

تعیین دستمزد

تعیین حداقل دستمزد کارگران و مزدبگیران هر ساله در نشست شورای عالی کار صورت می گرفت. این شورا ترکیبی از نماینده دولت، کارفرما و کارگران بوده است. البته در این کمیته ها هیچگاه نماینده واقعی کارگران شرکت نکرده بلکه گزیدگانی از شوراهای اسلامی کار که تشکلهایی زرد و ساخته دولت است شرکت می کردند. اما امسال به دلیل شرایط سیاسی موجود این ترکیب به هم خواهد خورد. عباس وطن پرور، نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی تجارت در این رابطه می گوید: «به علت بروز برخی مسائل سیاسی، اعضای اتاق بازرگانی و خانه صنعت و معدن مصوبه مزدی سال آینده را تعیین می کنند.» (جهان صنعت ۱۳ آذر)

نرخ غیر واقعی بیکاری

احمدی نژاد به تازگی بر وعده ای تاکید گذاشت که همقطارانش هم بر پوچی آن نبینند می زنند. وی در یکی از سخنبراهیهایی اخیرش گفته است که طرف دو سال آینده ریشه بیکاری را از ایران خواهد کند و هیچ بیکاری نخواهیم داشت. همزمان آمارهای نادرست و یا عدم ارائه آمار بیکاران باعث واکنس برخی از کارگزاران رژیم شده است. برای نمونه، عباس وطن پرور، دبیر کانون شورای هماهنگی کارفرمایان در رابطه با این گونه آمارها می گوید: «در حال حاضر شاغل حساب

کردن سربازان، زنان خانه دار و دانشجویان و همچنین افرادی که در هفته یک یا دو ساعت کار دارند، همه از ایهامات نرخ بیکاری و وضعیت واقعی اشتغال در کشور است.» (جهان صنعت ۱۳ آذر)

وی همچنین می گوید: «بین ۲۴ تا ۳۰ درصد از نیروی فعال در کشور به صورت متناوب بین کار فصلی و موقت در حال حرکت هستند.»

اسدالله شیری دبیر خانه کارگر که یک تشکل حکومتی در ارومیه است در مصاحبه ای با ایلتنا دوشنبه ۲۹ آذر، در رابطه با داده های آماری غیر واقعی می گوید: «در حال حاضر بر اساس آمارهای غیر رسمی در این شهر میزان بیکاری ۲۴ درصد است، در حالی که آمار رسمی میزان بیکاری این شهر را ۹،۱ اعلام کرده است.»

افزایش هزینه های درمان

بسیاری از مردم در ایران برای درمان سرطان سینه در مقابل دو راه حل قرار دارند. یا تسلیم این بیماری شوند و راه درمان را پیش نگیرند و یا برای درمان سرطان همه زندگی خود را از دست بدهند. مرضیه وحیدی دستجردی وزیر بهداشت رژیم، روز دوشنبه ۸ آبان گفت: «فقط یک نوع داروی سرطان سینه وارداتی برای بیمار ۵۰ میلیون تومان هزینه بردار است.» وی می گوید: «باید بدانیم که بسیاری مجبور می شوند که زندگی خود را بفروشند و برای خرید این دارو هزینه کنند.»

نایب رئیس انجمن پزشکان عمومی ایران پیش بینی می کند «اگر همزمان با اجرای قانون هدمندی، یارانه سلامت خوب مدیریت نشود بیماریها پنهان می ماند و هزینه های درمان در ۳ سال آینده سرسام آور خواهد شد به طوری که بیش از ۴ درصد مردم به زیر خط سقوط می کنند.»

جایگاه بهداشت و درمان در تنظیم بودجه سال ۸۹، نسبت به بودجه نهادهای وابسته به سپاه و نیز سپاه و بسیج، بر بی عدالتی در درمان بهداشت گواهی می دهد. عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با ایسنا به تاریخ ۲۳ بهمن ۸۸ می گوید، بودجه ای که برای وزارت بهداشت در نظر گرفته شده است از ۳۰ درصد افزایش بودجه نسبت به سال قبل، تنها ۶ درصد سهم وزارت بهداشت است.» وی می گوید: «دولت ۸ هزار میلیارد تومان بودجه برای وزارت بهداشت در نظر گرفته که بدون شک با توجه به ۲۰۰۰ میلیارد تومان کسری بودجه وزارت بهداشت و رشد ۶۱ درصدی بودجه، سرانه شش هزار و پانصد تومانی به زیر ۴ هزار تومان خواهد آمد، بنابراین بیش از ۷۰ درصد از هزینه های درمان دوباره به دوش مردم می افتد.»

در حالی که میلیاردها دلار صرف تهیه سلاح، سرکوب و صدور تروریسم و بنیادگرایی می شود، مردم باید با فلاکت و درماندگی با بیماری خود دست به گریبان باشند.

شرایط غیر ایمنی منجر به مرگ کارگران معدن شد

روز سه شنبه ۲۳ آذر، ۴ کارگر معدن در منطقه هتک کرمان در زیر آوار جان خود را از دست دادند.

به گزارش خبرگزاری مهر، از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا به حال بیش از ۲۰ کارگر هنگام کار در معدنهای زغال سنگ استان کرمان کشته شده اند که ۱۲ کارگر تنها در حادثه معدن «باینزو» جانشان را از دست داده اند. رادیو آلمان یکشنبه ۲۸ آذر به نقل از خبرگزاری مهر، نوشت: «در سال ۱۳۸۸ نیز حداقل ۲۱ کارگر هنگام کار در معادن زغال سنگ استان کرمان جانشان را از دست داده اند.»

اصلاح قانون کار

بحث اصلاح قانون کار در کمیسیون مجلس مطرح شده است. بر اساس خبرهای غیر شفاف که تاکنون پیرامون این اصلاحات منتشر شده، اصلاحاتی که قرار است انجام شود به نفع کارفرمایان است. مواردی وجود دارد که به ویژه در شرایط کنونی که احتمال گسترده شدن خیزشهای کارگری وجود دارد، دست کارفرمایان را برای اخراج کارگران معترض باز می گذارد.

همچنین براساس اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، در اصلاحیه قانون کار فصل ششم هیچ اسمی از سندیکاهای کارگری به میان نیامده است.

صدور حکم زندان برای رئیس سندیکای نیشکر هفت تپه

روز پنجشنبه ۱۱ آذر سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه طی اطلاعیه ای خبر حکم زندان برای رضا درخشان را به اطلاع عموم رساند در این اطلاعیه می خوانیم: «سرانجام شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر اهواز رضا درخشان، رئیس هیات مدیره سندیکای ما، را نیز به اتهام نشر اکاذیب به ۶ ماه زندان محکوم کرد. این حکم در حالی صادر شد که رضا درخشان در دادگاه بدوی از اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی تبرئه و با وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شده بود. اتهام نشر اکاذیب در حالی برای رضا درخشان حکم زندان را به همراه داشت که پیش از آن اعضای هیات مدیره سندیکا و خانواده های آنان در نامه مشترکی به دادگاه تجدید نظر کلیه اقدامات مورد اتهام رضا درخشان را در چهارچوب وظایف سندیکائی وی دانسته و تاکید

کرده بودند که هیچکدام از آن اقدامات و همچنین نوشته رضا درخشان تحت عنوان «ما یک خانواده هستیم» که امروز برای ایشان سند جرم به حساب می آید، اقدام فردی وی نبوده و ایشان هیچگونه مسئولیت فردی در قبال این اقدامات ندارند. اما دادگاه تجدید نظر اهواز بدون توجه به این مدارک و شهادتها، موارد دیگری را به پرونده اضافه نموده و ایشان را به اتهام نشر اکاذیب به ۶ ماه زندان محکوم نمود. لازم به ذکر است که بر طبق قوانین قضائی، اتهام نشر اکاذیب تنها در صورتی می تواند در محاکم قضایی مورد رسیدگی قرارگیرد که یک شاکی خصوصی این اتهام را وارد نموده باشد. (ماده ۶۹۸ که مربوط به اتهام نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی مندرج در قوانین مجازات اسلامی می باشد به این امر پرداخته است. بااینهمه در ماده ۲۷۲ همین قوانین آمده است که این اتهام جزایب است. بااینهمه تعقیب نمی شود) در مورد رضا درخشان هیچ شاکی خصوصی موجود نبود.

رضا درخشان پس از علی نجاتی دومین رئیس هیات مدیره است که به تحمل زندان محکوم شده است. پیش از آن اعضای دیگر هیات مدیره، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، محمد حیدری مهر و جلیل احمدی نیز به جرم فعالیت های سندیکائی هر یک به مدت ۶ ماه در زندان به سر برده اند.

ما این حکم دادگاه را بسیار سختگیرانه و نا عادلانه می دانیم و یک بار دیگر بر حق قانونی خود در دفاع از زندگی خود خانواده های ما و دفاع از حقوق حقه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه تأکید می کنیم. سندیکای هفت تپه تشکل منتخب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه است و خود را به پیشبرد وظایفی که کارگران شرکت به آن محول کرده اند متعهد می داند.»

اطلاعیه کانون مدافعان حقوق کارگر درباره دستگیری فریبرز رییس دانا

نیمه شب شنبه ۲۷ آذر ۸۹، ماموران امنیتی با ورود به منزل فریبرز رییس دانا، اقتصاددان، یار دیرین کانون مدافعان حقوق کارگر، به بازرسی منزل مسکونی و ضبط کامپیوتر و دست نوشته های وی مبادرت کرده، و پس از یک ساعت او را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

این دستگیری چند ساعت پس از آن صورت گرفت که رییس دانا در اقدامی شجاعانه اعلام کرده بود که اجرای هدفمند سازی یارانه ها فشردن گلوی کارگران و زحمتکشان و حمله همه جانبه به سفره ی خالی آنان است. دستگیری وی بیانگر آن است که حمله کنندگان به سفره ی خالی مزدبگیران و

بقیه در صفحه ۶



کارخانه طلای آغ دره از شهر و دیار خود آواره شده و برای یافتن کار، رهسپار شهرهای تهران و کرج و... می شوند و کسی در این باره پاسخگوی حقوق پایمال شده کارگران نیست. معدن طلای آغ دره با هفت میلیون تن کانسنگ طلا با عیار متوسط ۲/۴۸ پ.پ ام در جنوب آذربایجان غربی و ۳۰ کیلومتری شهرستان تکاب واقع شده است.

کارخانه استحصال و فرآوری پوپا زرکان معدن طلای آغ دره تکاب قادر است سالانه ۴۰۰۰ کیلوگرم (چهار تن) طلا استخراج کند، که بدون در نظر گرفتن تفره و جیوه استحصال شده، سودی معادل ۱۲۰ میلیارد تومان برای سهامداران شرکت دارد.

معدن طلای آغ دره آذربایجان، دومین معدن بزرگ طلای خاورمیانه محسوب می شود.

*روز چهارشنبه ۱۰ آذر کارگران لوله سازی خوزستان برای چندمین بار مقابل ساختمان حراست این شرکت برای تعیین تکلیف وضعیت راه اندازی شرکت و همچنین درخواست ۲۰ ماه حقوق معوقه خود تجمع کردند.

کارگران این واحد بزرگ قبلاً نیز مقابل استانداری خوزستان در اهواز دست به تظاهرات زده بودند.

روز شنبه ۱۳ آذر، کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در اعتراض به پرداخت نشدن بیست ماه حقوق عقب افتاده خود، در مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کرده و به سمت دادگستری خوزستان راهپیمایی نمودند.

به گزارش آژانس ایران کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «لوله سازی خوزستان بی اعتنا در استان» و «لوله سازی خوزستان، منحل شده در استان».

*به دنبال عدم تحقق وعده های داده شده به کارگران ریسندگی خاور رشت، روز شنبه ۱۳ آذر ۱۳۸۹ تعداد زیادی از بقیه در صفحه ۷

*شماری از کارگران کارخانه مخابرات راه دور ایران، در شیراز در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد ۱۷ ماه گذشته خود، عدم اجرای کامل مصوبات هیات دولت و حل مشکلات بازنشستگی در محل این واحد تولیدی تجمع کرده اند. روز شنبه ۶ آذر، خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا سخنان هاشم شمشیری، نایب رئیس شورای اسلامی کار در کارخانه مخابرات راه دور ایران را منتشر کرد. وی کی گوید؛ مصوبات دولت برای راه اندازی دوباره این واحد و خروج آن از بحران مالی هنوز اجرا نشده است.

کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران که در سالهای نخستین دهه ۸۰ به بخش خصوصی واگذار شد در نتیجه مدیریت نادرست بخش خصوصی به یکی از واحدهای تولیدی بحران زده استان فارس تبدیل شده است.

پرداخت نشدن حقوق کارگران در شرایطی صورت می گیرد که به گفته شماری از کارشناسان، خط فقر در ایران حدود یک میلیون تومان در ماه است.

*از اولین ساعات روز شنبه ۶ آذر، بیش از ۱۰۰۰ تن از کارگران بخشهای مختلف راه آهن بین شهری تهران، در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه دستمزدهای معوق، دست از کار کشیده و در محوطه سایت راه آهن واقع در میدان راه آهن تهران دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی زدند. به گزارش سایت صدای کارگر، کارگران معترض خواهان حضور مسئولان و جوابگویی آنها و دریافت فوری دستمزدهایشان بودند.

*با فرا رسیدن فصل سرما، ۳۷۰ تن از کارگران معدن طلای آغ دره آذربایجان از کار اخراج شدند. این کارگران روز سه شنبه ۹ آذر در برابر ساختمان فرمانداری شهرستان تکاب تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت نابسامان کارگران این معدن شدند.

به گزارش ندای سبز آزادی هر ساله نزدیک به ۴۰۰ تن از کارگران معدن و

رژیم تجمع اعتراضی کرده و خواستار اجرای قانون بیمه اجباری شدند. به گزارش ایلنا، این تجمع همزمان با بحث و بررسی تعلیق اجرای قانون بیمه اجباری یک میلیون و ۶۰۰ هزار کارگر ساختمان در پنج سال آینده صورت گرفت.

*روز دوشنبه اول آذر، کارگران کارخانه کنف کار رشت مقابل سازمان صنایع و معادن گیلان تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا روز سه شنبه ۲ آذر، همزمان با ادامه اعتراض کارگران، در جلسه ای با شرکت نمایندگان کارگران و رئیس سازمان صنایع و معادن گیلان به مشکلات کارگران این واحد تولیدی رسیدگی شد.

این کارخانه در اواخر سال ۸۲ از طریق سازمان صنایع ملی به نمایندگی از سازمان بازنشستگی کشوری به عنوان سهام دار اصلی آن بدون انجام کار کارشناسی به شخصی غیرتوانمند و قدرت مند واگذار شد که در نتیجه پس از سپری شدن چندماه از واگذاری این شرکت دچار بحران شد. کارخانه ورشکسته کنف کار در کیلومتر ۵ جاده رشت-تهران حد فاصل بین جاده رشت-سنگر قرار دارد. این کارخانه وابسته به بخش خصوصی است و به بازماندگان ایرج زهرابی سهامدار عمده کارخانه تعلق دارد.

*کارگران شرکت جهان فارس به دلیل عدم دریافت حقوق ماهیانه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش هرانا به نقل از اشتراک، در پی پرداخت نشدن ۸ ماه حقوق معوقه توسط کارفرمایان شرکت جهان فارس در مناطق نفت خیز جنوب در شهرستان دیلم در استان بوشهر از روز چهارشنبه ۳ آذر، ۱۷۰۰ نفر از کارگران این شرکت که اکثراً از شهر دیلم و روستاهای اطراف می باشند دست به اعتصاب گسترده زده اند و مسیرهای چهار راه دیلم، سه راه گناوه، چهار راه بی حکیمه و چهار راه سیاه مکان را به روی تمام ماشینهای شرکت و دیگر خودروها بستند.

*روز چهارشنبه ۳ آذر، کارگران دو شرکت پیمانکاری (نگار نصب و ایمن پرتو) طرف قرارداد با سازمان منطقه آزاد اروند در اعتراض به اخراج زودتر از موعد قرارداد خود در مقابل سازمان منطقه آزاد اروند تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این مساله سبب بروز مشکلات فراوانی برای کارگران و خانواده هایشان خواهد شد چرا که یافتن شغل و ماندن بر سر کار در این شهرها به نوعی آرزوی ماند که اغلب قریب به اتفاق مردم این دو شهر از آن رنج می برند.

جراحی همراه با سرکوب برای مقابله با گسترش اعتراضهای مردمی

بقیه از صفحه ۵

کارگران می خواهند اعلام کنند که هیچ گونه اعتراضی را تحمل نخواهند کرد و با ایجاد فضای قبرستانی می خواهند هر گونه اجحافی را بر مردم روا دارند.

قانون مدافعان حقوق کارگر ضمن حمایت همه جانبه از نظرات قاطع این اقتصاددان در دفاع از زندگی کارگران و زحمتکشان، خواهان آزادی بی قید و شرط و فوری اوست.

رئیس دانا هیچ جرمی جز بیان خواسته های کارگران و زحمتکشان مرتکب نشده است. زبان و قلم گویای او خواسته های واقعی میلیونها انسان زحمتکشی است که در زیر خط فقر زندگی می کنند.

قانون مدافعان حقوق کارگر بار دیگر هشدار می دهد که نشان دادن قدرت به کارگران و زحمتکشان و دستگیری روشنفکران مدافع آنان مشکلات مردم ما را نه تنها حل نخواهد کرد بلکه بر شدت وحدت آن خواهد افزود و کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم را در مسیر احقاق حقوق از دست رفته خود مصمم تر خواهد کرد.

قانون مدافعان حقوق کارگر

برخی از مهمترین حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۸۹

سرکوب، آزار، یرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

*کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان روز یکشنبه ۳۰ آبان به مدت پنج ساعت در مقابل استانداری خوزستان و سپس فرمانداری اهواز تجمع کردند. به گزارش رادیو فردا، یکی از کارگران شرکت کننده در این تجمع با اشاره به این که ۲۵۰ کارگر کارخانه لوله سازی خوزستان در این حرکت اعتراضی شرکت داشتند، می گوید؛ کارگران خواستار دریافت ۱۶ ماه حقوق معوقه خود بودند.

*روز دوشنبه اول آذر، صد ها تن از کارگران ساختمانی در مقابل مجلس

برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۸۹

مبلغ ناچیزی را در روزهای آتی به کارگران داده اند.

*کارگران کف کار پس از تجمع دو روزه در مقابل اداره صنایع و معادن رشت به رغم وعده هایی که از طرف کارگزاران صنایع و معادن شنیدند هنوز نتوانسته اند نتیجه ای بگیرند. به گزارش روز ۱۸ آذر سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری



به نقل از فعالان ضدسرمایه داری کیلان، هریک از کارگران از ۲/۵ تا بیش از ۵ میلیون تومان حقوق معوقه طلب کار هستند و در طول ۹ ماه از سال ۸۹ به هریک در حدود ۴۰۰ هزار تومان پرداخت شده است، کارگران همچنان در بلاتکلیفی بسر می برند. در حال حاضر، تعداد کارگران بیش از ۱۸۰ نفر است که بیش از ۲۰ نفر آنان بالای ۲۵ سال سابقه کار دارند و در مرز بازنشستگی هستند، بیش از ۸۰ نفر بین ۲۰ تا ۲۵ سال و بقیه زیر بیست سال سابقه کار دارند که کمترین سابقه کاری حدود ده سال است.

*به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز شنبه ۲۰ آذرماه حدود ۲۵۰ نفر از کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان در مقابل اداره کار شهر سنندج تجمع اعتراضی برپا کردند. تجمع کارگران اخراجی نساجی کردستان، در اعتراض به لحاظ نکردن شرایط کار سخت و زیان آور در سوابق بیمه آنان در مقابل اداره کار و امور اجتماعی رژیم در شهر سنندج برگزار گردید. در این تجمع تعدادی از کارگران کارخانه های «پریس سنندج، شاهو و شین بافت» نیز حضور داشتند.

*تعدادی از کارگران شرکت مخابرات راه دور در استان فارس در اعتراض به وضعیت نا مشخص خود، به رغم محدودیتها و مزاحمت های مختلف، به صورت روزانه در مقابل درب این شرکت متحصن می باشند.

اکنون ماهها از تعطیلی شرکت آی تی آی شیراز می گذرد و کارگران این شرکت هر روز در محل کار خود حاضر می شوند و امید دارند که خواسته آنها برای راه اندازی مجدد این شرکت

بقیه از صفحه ۶

این کارگران از ساعت ۸ صبح مقابل اداره صنایع و معادن رشت تجمع نمودند.

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، کارگران این کارخانه مدت ۹ ماه است هیچ گونه حقوقی دریافت نکرده اند و این در حالی است که کارفرما به دفعات به بهانه پرداخت بدهی و حقوق معوقه کارگران، موفق به دریافت وامهای سنگین از بانکهای استان شده است و هیچگونه پرداختی به کارگران نداشته است.

کارگران تجمع کننده که بشدت عصبانی بودند اعلام کردند که دیگر به وعده های داده شده اعتمادی نداشته و تا دریافت حقوق معوقه خود به تجمع ادامه خواهند داد.

*جمعی از کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان صبح روز دوشنبه ۱۵ آذر در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق معوقه وعدم رسیدگی به مشکلات آنها رویروی فرمانداری ویژه شهرستان کاشان تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران در این تجمع اعتراض آمیز نسبت به عدم پرداخت حقوق هفتگی خود که کارفرمای این شرکت تعهد کرده بود هفته ای ۴۰ هزار تومان پرداخت کند اعتراض داشته و خواستار رسیدگی به این موضوع شدند.

در ادامه این تجمع اعتراضی، در حالیکه کارگران ۲۷ ماه حقوق معوقه طلب دارند مسئولان بار دیگر قول پرداخت

مطابق وعده هایی که از بالاترین مقامات رتبه اول کشور تا مقامات استانی به کارگران داده اند عملی شود. شرکت آی تی آی که همان مخابرات راه دور در استان فارس می باشد و مهمترین شرکت مخابراتی در نوع خود در خاورمیانه محسوب می شد، تعداد ۶۰۰ کارگر دارد.

یکی از کارگران روز یکشنبه ۲۱ آذر به خبر نگار ایران کارگر گفت که؛ اکنون ۱۸ ماه هست که حقوق نگرفته ایم و از طرفی هم با این که درخواست و همچنین امکان و ظرفیت کار را داریم متاسفانه کار و پروژه ای برای شرکت وجود ندارد تا با درآمد آن بتوانیم مخارج زندگی خودمان را تامین کنیم.

روز دوشنبه ۲۲ آذر کارگران صنایع فلزی شماره یک نسبت به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق معوقه خود تجمع اعتراضی کردند. به گزارش سایت اشتراک، یکی از کارگران معترض در این رابطه به خبرنگار ایران کارگر گفت؛ با کارگر مثل یک برده رفتار می شود. ما ۸ الی ۹ ماه است که حقوق نگرفته ایم و با انبوهی قرض در بدترین شکل ممکن و با بدبختی داریم زندگی می کنیم. البته این معنی اش زندگی نیست بلکه فقط داریم نفس می کشیم. آقایان فکرنمی کنند کارگری که ۸ الی ۹ ماه حقوق نگرفته باشد چطور با این گرانی و با این وضعیت می تواند زندگی کند و سراغ خانواده و زن و بچه اش برود

صنعت کفش ایران از نگاه آمار

ایسنا به نقل از ایران اکونومیست ۲۲ آذر: آخرین آمار نشان می دهد که در مجموع ۵۴۴ واحد دارای پروانه صنعتی از وزارت صنایع و معادن در صنعت تولید پای پوش در کشور فعالیت می کنند. تعداد شاغلان مستقیم واحدهای فوق حدود ۱۵ هزار نفر بوده که به این تعداد، ۶۲ هزار نفر نیروی انسانی شاغل در بخش تولید کفشهای دست دوز و هشت هزار نفر نیروی انسانی شاغل در واحدهای بدون پروانه و ۳۰ هزار نفر نیروی انسانی در واحدهای تولیدکننده انواع رویه (پستایی) را نیز باید اضافه کرد.

در مجموع حدود ۱۱۵ هزار نفر فقط در بخش تولید انواع پای پوش در کشور فعالیت دارند.

البته در آمار فوق شاغلان در بخشهای اداری، پشتیبانی و تولیدکنندگان لوازم جانبی پای پوش و فروشگاههای توزیع کفش و توزیع کنندگان و غیره لحاظ نشده است.

صنعت کفش با صنایع مختلفی مانند صنایع چرم طبیعی، چرم مصنوعی، پتروشیمی، نساجی، شیمیایی، بسته بندی، قالب سازی، ماشین سازی و غیره ارتباط تنگاتنگی دارد.

ظرفیت اسمی واحدهای تولیدی شناخته شده حدود ۲۶۲،۵ میلیون زوج است که ۷۲،۵ میلیون زوج آن مربوط به انواع کفشهای چرمی و ورزشی و ۱۹۰ میلیون زوج دیگر آن مربوط به انواع تولیدات غیرچرمی است. به این ترتیب آمار تولید انواع پای پوش در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۰۵ میلیون زوج برآورد می شود.

بر اساس این گزارش، پراکندگی جغرافیایی بیشترین تعداد واحدهای تولید کفش کشور در این استانها واقع شده اند: آذربایجان شرقی ۳۴ درصد، قم ۳۰ درصد، تهران ۲۲ درصد، خراسان رضوی سه درصد و یزد دو درصد.

با توجه به بررسیهای کارشناسان این صنعت، مصرف سرانه کفش در کشور به طور متوسط بین دو تا سه زوج بوده که به این ترتیب بین عرضه و تقاضای کفش در کشور توازن برقرار است. سهم هزینه کفش مصرفی از هزینه غیرخوراکی خانوارهای شهری بر اساس آخرین آمار ارایه شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۶ حدود ۱،۴۶ درصد بوده است.

بر اساس گزارش های گمرک در هفت ساله ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ در مجموع ۱۴۰ هزار و ۳۱۲ تن انواع پای پوش به ارزش ۴۸۶ میلیون دلار به کشورهای مختلف صادر شد. حدود ۸۰ درصد صادرات انواع کفش در شش ساله فوق مربوط به شش کشور زیر بوده است: عراق ۳۱،۱ درصد، آذربایجان ۲۲،۴ درصد، افغانستان ۷،۴ درصد، ازبکستان ۷،۱ درصد، ترکمنستان ۶،۲ درصد و عربستان ۴،۹ درصد.

همچنین در هفت ساله ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱، در مجموع ۲۰ هزار و ۳۸۰ تن انواع پای پوش به ارزش ۴۱ میلیون دلار به صورت قانونی و مطابق گزارش گمرک وارد کشور شد.

متوسط هر کیلو واردات در دوره مورد بررسی حدود دو دلار بوده است. این شاخص در سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ به ترتیب ۳،۶ و ۳،۷ دلار در هر کیلو بوده است. در هفت ساله ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ امارات متحده عربی با ۵۸،۶ درصد و چین با ۱۶،۲ درصد بیشترین سهم را در واردات قانونی انواع کفش داشتند. در سال ۱۳۸۷ سهم امارات ۳۳،۵ و سهم چین ۳۱،۲ درصد بوده است.

بر اساس پژوهش انجام شده توسط موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ کل صادرات کفش ایران در هشت ساله مورد بررسی به ۵۶۸ میلیون دلار و صادرات کفش جهان به ۳۸۵ میلیارد دلار رسید.

سهم صادرات کفش ایران از کل صادرات کفش جهان در هشت ساله مورد بررسی به ۰،۱۴ رسید. یعنی از هر ۱۰ هزار دلار صادرات کفش جهان ۱۴ دلار آن متعلق به ایران بوده است.

ویکی لیکس، شفافیت اطلاعاتی یا ادامه پنهان کاری

جعفر پویه

که دستگاههای مهندسی افکار عمومی از آنها در اذهان عمومی ساخته است. این روزها کمتر تلویزیونی است که سریالی از عملیات دستگاههای جاسوسی و ضد جاسوسی نشان ندهد. اگر فیلمهای جیمز باند، سالها دستگاه اطلاعاتی انگلیس و ماموران آن را خبره های همه فن حریف به خورد مردم می داد یا بسیاری از فیلمهای سینمایی به طور مستقیم و غیر مستقیم چهره های مخوف و درنده خوی ماموران دستگاههای مخفی را برای ترساندن به مردم معرفی می کرد، امروز دیگر آنان تبدیل به دلکتهایی شده اند که به درد بازیهایی کامپیوتری می خوردن تا با هر حرکت موشواره، وادار به عملی شوند که تصمیم آن به عهده شهروندی است که مشغول بازی است. این بی نقابی از یک سو آنها را به شکوه و شکایت در آورده است که با این کار به دستگاههای اطلاعاتی که ضامن امنیت کشور هستند ضربه وارد می شود و از سوی دیگر، شهروندان را آگاه به موضوعاتی می کند که آنها با آن سروکار دارند. اگر ریختن ترس مردم از دستگاههای اطلاعاتی می تواند آنها را در نگاه دقیق تر به موضوعات پیرامون شان راهنما باشد اما دستگاههای اطلاعاتی را برای درخواست بودجه های کلانی که معلوم نیست صرف چه کارهایی می شود، ناکام می گذارد.

از سوی دیگر، عصر جهانی شدن و باز شدن دروازه های اطلاعاتی جهان به روی یکدیگر و امکان اشتراک گذاری آنها بر روی شبکه جهانی اینترنت، این پنهان کاری و رقابتهای پیچیده در دالانهای تاریک را بی موضوع کرده و از حیض انتفاع ساقط می کند. اگر در چند سال گذشته در جهان تعداد بسیار زیادی خبرنگار به دست نظامیها و دستگاههای اطلاعاتی به قتل رسیده اند تنها می تواند یک دلیل داشته باشد: ناتوانی دستگاههای انحصاری از کنترل فعالیتهای آزاد آنان. در جنگ عراق و افغانستان تعداد زیادی خبرنگار به قتل می رسند؛ چیزی که در گذشته سابقه نداشت. همراه با آن، در اسرائیل، لبنان، ایران، تا آفریقا و ... خبرنگاران هدف قرار می گیرند. اگر تا دیروز برای خبرنگاران به دلیل انجام وظیفه شان احترامی قابل بودند و سعی می شد تا از آسیب رسیدن به آنها جلوگیری شود اما در جنگهای جدید این امر دیگر رعایت نمی شود و از همه بیشتر از سوی ارتش آمریکا. فیلم منتشر شده

بقیه در صفحه ۹

به رهبر بالمنزاع انقلاب ایران کند، بلکه همین بنگاههای انحصار خبر اجازه نشر و اطلاع رسانی از آنچه که دستگاه جنایت خمینی بعدا مرتکب شد را ندادند تا جهان بدانند بر مردم ما در این سالها چه رفته است. هزاران انسان در این مدت به جوخه های مرگ سپرده شدند، در سال ۶۷ هزاران نفر قتل عام شدند اما هنوز ما باید با هزار مدرک و سند ثابت کنیم که چه بر ما رفته است. پس از همه این سالها هنوز آثانی که می توانند یا می خواهند این



فجایع را انکار کنند، تریبونهای بیشتری نسبت به کسانی که دادخواه این جنایت هستند دارند. دلیل آن هم ساده است، زیرا در وهله اول خود این دستگاههای مدعی خبر رسانی هستند که باید بگویند چرا در موقعی که این جنایات به وقوع پیوست، ساکت ماندند. به همین دلیل مجبورند برای توجیه عمل خود دست به هر کاری بزنند تا همراهی خود با جنایتکاران را لاپوشانی کنند.

اما امروز در عرصه اطلاع رسانی دیگر چنین چیزی ممکن نیست و این دستگاههای عریض طویل با نان خورهایی که در ساختن خبرهای عامه پسند و انحراف افکار عمومی تخصص دارند، ناتوان از ادامه وظایف سابق خود هستند. دور خیز شهروندان برای وارد شدن به عرصه تولید خبر و جلوگیری از انحصار و لاپوشانی کردن اطلاعات، با اقدام ویکی لیکس وارد فاز جدید می شود که بازگشت به ماقبل آن غیر ممکن است. ضربه ویکی لیکس بر بدنه این انحصار چنان جانانه است که آنها برای وادار کردن ویکی لیکس به عقب نشینی به هر عملی رو می آورند. این اعمال نه تنها نشان می دهد که اقدام ویکی لیکس توانسته ناکارآمدی دستگاههایی که تا دیروز خود را میدان داران بی رقیب با نقابهای ترسناک اطلاعاتی معرفی می کردند را نشان دهد و ثابت کند که آنان بهره های کاغذی ای بیش نیستند که از همه بیشتر نان ترس و وحشتی را می خوردند

کریدورهای تاریک دستگاههای اطلاعاتی می گذرد، و آشکار شدن ارتباطات پوشیده ای که تحت نام دیپلماسی و یا برآوردهای کارشناسان دستگاههای دیپلماتیک از وضعیت سوژه های خود انجام می گیرد، می تواند جامعه را در برابر مهندسی افکار عمومی با اهداف از پیش تعیین شده دستگاههای صاحبان قدرت واکسینه کند. این ناکارآمدی سیاستمدارانی که به نفع قدرت حاکم هر عملی را با کمک دستگاههای اطلاعاتی برای خود

مجاز می دانند، مردم را در برابر گزینه های بیشتری برای تصمیم گیری و داوری در مورد آنان قرار می دهد. از سوی دیگر برهم ریختن میز دستگاههای اطلاعاتی برای کنترل وسایل ارتباط جمعی و انحصار خبر و اطلاعات به دلیل در اختیار داشتن گلوگاه اطلاعاتی می تواند فایده دیگر این آشکار سازی باشد. اگر به کار گیری تکنولوژی و استفاده درست از آن توانسته است به انحصار در مخابره خبر و اطلاعات را تا حدودی آسیب بزند اما وارد شدن به دالانهای تاریک دستگاههای مخوف اطلاعاتی و تاباندن نور بر آن در پیش چشم افکار عمومی، این خاصیت را دارد تا راه درست و صحیح استفاده از تکنولوژی در عرصه عمومی گسترش بیشتری یابد.

به عنوان مثال در جنبش اجتماعی مردم ایران آن چنان نقش تکنولوژی و استفاده درست از آن توسط شهروندان آگاه به حقوق خود و فعال در عرصه حقوق اجتماعی و سیاسی پر رنگ شد که دست سازمانهای و بنگاههای خبر پراکنی پر سر و صدا برای کنترل اخبار بسته ماند. شهروندان خود به تولید خبر پرداختند و با استفاده از شبکه جهانی اینترنت آن خبرها را به دورترین نقاط جهان فرستادند تا همگان از آن با اطلاع شوند. همین اتفاق را می شود مقایسه کرد با آنچه در سه دهه پیش از آن یعنی، از سال ۵۶ تا ۷۶ گذشت. انحصار دستگاههای خبری توانسته تنها در مدت کوتاهی خمینی را تبدیل

ویکی لیکس پدیده ای است تازه؛ محصول موقعیت جدید که جهان را با تکانی ناگهانی از جای جنبد. در هزاره جدید؛ جهان با پدیده هایی روبروست که جوامع بشری را یکشبه، سالها به جلو می کشاند. اگر در آغاز هزاره، اتفاق ۱۱ سپتامبر جهان را وارد موقعیت جدیدی کرد، امروز می توان گفت که به میدان آمدن ویکی لیکس نیز آن را به جایی می برد که بسیاری تصورش را هم نمی کردند. شاید مقایسه اقدام ویکی لیکس با حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ چندان درست به نظر نرسد اما تاثیر انکار ناپذیر هر دو بر موقعیت جهانی چیزی نیست که بشود به راحتی از کنار آن گذشت.

آنچه ویکی لیکس و بنیانگذار آن "جولیان اسانج" تحت نام همگانی کردن اطلاعات در عصر ارتباطات رسانه ای انجام دادند، جهان را در عرصه انحصار اطلاعات و پوشیده داشتن آن از مردم تحت نامهای پرطمطراق امنیت ملی یا امنیت اجتماعی و در یک کلام، امنیتی کردن فضای عمومی به عقب راند و با یک اقدام شجاعانه بساط سازمانهای عریض و طویل امنیتی سازی را به هم ریخت. این به هم ریختگی و پریشانی، دستگاههایی که با بودجه های سرسام آور و تبلیغات وسیع از خود هیولاهایی ترسناک ساخته اند را وادار به کارهایی کرد که پیش از همه ماهیت دروغین و پنهان کار آنان را برملا کرد.

استریپ تیز اطلاعاتی دستگاههای جاسوسی و ضد جاسوسی در عرصه عمومی باعث شد تا بسیاری از مردم عادی آنچه را که تحت نام اطلاعات رد بدل شده بین اطلاع سازان و خبر رسانها وجود داشت و تا کنون تحت نام عورت اطلاعاتی از همگان مخفی می شد، مشاهده کنند و بر پوچی آن پوزخند بزنند. این که بسیاری از کشورها در مقابل یک چنین اتفاقی جا می خوردند و از خود حرکات غیرقابل پیش بینی بروز می دهند یک طرف، اما از سوی دیگر ناتوانی دستگاههایی عیان شد که با ماسکهای مضحک هرگونه که می توانستند، تا کنون یاهو ها و خبرهای کارسازی شده خود را به خورد مردم داده اند.

اگر تنها یکی از منافعی که اقدام شجاعانه دست اندرکاران ویکی لیکس برای جامعه انسانی دارد در نظر بگیریم، می توان ناکار کردن دستگاههای اطلاعاتی در مهندسی افکار عمومی را در صدر آن نشانند. یعنی، با برملا شدن آنچه در

ویکی لیکس، شفافیت اطلاعاتی یا ادامه پنهان کاری

بقیه از صفحه ۸

توسط ویکی لیکس از قتل خبرنگاران در هنگام انجام وظیفه در عراق توسط هلیکوپتر نظامی آمریکا، سندی است که به هیچ وجه نمی شود آن را حاشا کرد. این ضرب شست نشان دادن به خبرنگاران تنها می تواند یک پیام داشته باشد: "یا به نفع ما خبر بدهید، یا از این جا بروید و گرنه گلوله نصیب تان خواهد شد".

این گونه می شود قتل و کشتار بیگناهان را از دید همگانی پنهان کرد و تحت نام مبارزه با تروریسم و یا جستجوی سلاح کشتار جمعی، هزاران نفر را به قتل رساند و کسی نیز از آن اطلاعی پیدا نکند. این است که ویکی لیکس زیر نظر هزاران چشم و در انظار میلیونها نفر دست به اقدامی شجاعانه می زند و دستگاههای پاپوش دوزی نیز بیکار ننشسته برای آن موانع قانونی می سازند تا حداقل بتوانند از بقیه زهر چشم بگیرند. بعضیهاشان پا را از این نیز فراتر می گذارند و برای آسانتر درخواست اعدام می کنند و خواهان بازداشت و اعدام او می شوند. اما ناگفته پیداست که این گفته ها به ضد خود تبدیل می شود زیرا با گسترش دستگاه ارتباط جمعی دیگر نمی شود بر افکار عمومی حکومت کرد. از همه بدتر، اقدام دولتهای هم پیمان با امریکاست که دست به دست هم می دهند تا هر گونه که می توانند جولیان آسانج را دستگیر کنند. سوئد، یکی از به ظاهر آزادترین کشورهای جهان پا پیش می گذارد و با پرونده سازی آنهم از نوع جنسی آن، آسانج را به دادگاه می یاد کشاند. آیا با این نوع پرونده سازی یاد دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی نمی افتد که در سالهای قلع و قمع سازمانهای سیاسی، یکی از اتهامات آنها که دایم از رادیو تلویزیون تکرار می شد، اتهام ارتباطات جنسی به فعالان سیاسی بود. هر روز در کنار اعلام کشف خانه های تیمی و قتل فعالان سیاسی ساکن آن خانه ها، سربازان بدنام امام رژیم خمینی نایل به کشف مقداری کاندوم و فیلم و مجلات سکسی از محلتهای مورد یورش می شدند. هنوز هم به گفته کسانی که از زندانهای رژیم جان سالم بدر برده اند، ماموران وزارت اطلاعات سعی می کنند تا دستگیر شدگان را وادار به اقرار به ارتباطات جنسی کنند. راستی چرا هر وقت که دستگاههای اطلاعاتی و پاپوش دوزان کم می آورند، اقدام به پرونده سازی در این مورد می کنند؟ این عمل در

توپ و تانک می خواهند دموکراسی را به مردم دیگر کشورها حُفته کنند. حال پرسش اینجاست، مگر یکی از شرایط پایه ای و اساسی دموکراسی گردش آزاد اطلاعات نیست؟ اگر اینگونه است، پس چرا کسی را به جرم اطلاع رسانی و برملا کردن اطلاعات مخفی شده از مردم جهت تنویر افکار عمومی، تحت تعقیب قرار داده شده و با پاپوش دوزی و قیحه سعی به خفه کردن او می شود؟

این چه دموکراسی ای است که در صورت عمل به اصول آن، عمل کنندگان تحت تعقیب قرار می گیرند و به زندان می افتند؟

اگر جهان به ظاهر آزاد، جنگ افروزی همچون جرج بوش را به عنوان جنایتکار جنگی و دروغگویی و فریب افکار عمومی به دلیل ادعای وجود سلاح کشتار جمعی در عراق تحت تعقیب قرار می داد، اگر دلقک بی مقداری همچون تونی بلر را که بی

جهان امروز سکوت کنندگان را طرد می کند و نیازمند کسانی است که بی پروا در مقابل دروغگویان سینه سپر می کنند و با صدای بلند واقعیات را به زبان می آورند. این راز بزرگ غولی است که ویکی لیکس از بطری آزاد کرده است. با هیچ ترفندی حتا از نوع اتهام جنسی، این غول به بطری باز نخواهد گشت.

جوک شبیه است یا دیوانه شدن جهان زخم خورده از ضربه افشاگرانه ویکی لیکس؟

جالب این جاست که دستگاه خبر پراکنی جهانی تحت کنترل، به جای گفتن واقعیت، دایم در بوق و کرنا می دم که جولیان آسانج به جرم تجاوز جنسی تحت پیگرد قرار دارد. سخنگوی اینترنتی، همان پلیس بین الملل در شهر لیون فرانسه به خبرنگاران می گوید، یادداشت قرمز مبنی بر حکم بازداشت بین المللی جولیان آسانج را از سوی مقامهای قضایی سوئد دریافت کرده است. وی توضیح می دهد که بدون اجازه مقامهای قضایی سوئد نمی تواند محتویات این حکم بازداشت را افشا کند. به بیان دیگر، او نمی داند خود را مضحکه دست یک عده مفتری باند باز کرده است. چند روز بعد، بوقهای تبلیغاتی با هیاهو و جنجال اعلام می کنند که جولیان آسانج به جرم تجاوز جنسی دستگیر شد. گویا هنوز فعال سیاسی و اجتماعی و یا کسانی که در بین عامه مردم مقبولیتی دارند را تنها با اتهام تجاوز جنسی می شود بدنام کرد. انگار هیچ سلاح و اتهام دیگری بر زندگی این اتهام را در افکار عمومی ندارد.

از همه بدتر این که این اعمال توسط کشورهایی انجام می گیرد که ادعای دموکرات بودن شان گوش فلک را کر کرده و با جار و جنجال و با زور بمب و

کردن مراکز تصمیم سازی به شفافیت به همین مقدار محدود نخواهد شد. دیگر این امکان وجود ندارد که از یک طرف با رهبران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در خفا مذاکره کنند، قرار و مدار بگذارند و روی صحنه به شکل دیگری عمل کنند. دیگر نمی توانند زیر نقاب علایق ویژه ملی، سازمانهای مبارز و آزادیخواه را در توافقهایی پشت پرده محدود کنند، رهبران آنان را دستگیر و زندانی یا تحویل کشور سرکوبگر دهند و برای فریب افکار عمومی قیافه حق به جانب بگیرند.

جهان امروز نیازمند شفافیت بیشتر است. نیازمند دانستن است که در پس پرده چه می گذرد. چرا مردم باید با دشمنهای جلی و ساخته و پرداخته دستگاههای مخوف اطلاعاتی روبرو باشند و از آنها بترسند. این شفافیت نیاز امروز جوامع انسانی است. گام اول توسط ویکی لیکس برداشته شده است. اگر ادامه دهنده این راه ویکی لیکس نباشد، کسان دیگری هستند تا این راه را ادامه دهند. مگر این که قلدران و زورگویان چپاولگری که خود را سردسته اوپاش صدور دموکراسی با بمب و موشک و ارتش معرفی می کنند، عقب نشینی کرده و فکری به حال این شفاف سازی اطلاعاتی بکنند.

مردم امروز دیگر حاضر نیستند فریب مهندسان افکار عمومی را بخورند. بسیاری می گویند آنچه را که ویکی لیکس افشا کرده، عده زیادی از آن با اطلاع بودند. اما این توجیه گران دستگاه قلدران و دروغگویان توضیح نمی دهند که شهامت ویکی لیکس اینجاست که آن چیزی را به زبان می آورد که بسیاری می دانستند اما نمی گفتند. دانستن کافی نیست، گفتن و علنی کردن آن و بهره برداری از این دانسته، مساله اساسی است که توجیه کنندگان توجهی به آن نمی کنند.

جهان امروز دیگر حاضر به سکوت در برابر دانسته های خود نیست. با به زبان آوردن آن، شهامت به اجتماع انسانی باز می گردد و در وهله اول ترس از دستگاههای مخوف اطلاعاتی ریخته می شود. این جُبِن مزوران توجیه گری است که زبان یافته و می گوید همگان این چیزها را می دانستند. سکوت انانی که می دانستند و دم بر نمی آوردند، عدم شهامت شان را توضیح می دهد. جهان امروز سکوت کنندگان را طرد می کند و نیازمند کسانی است که بی پروا در مقابل دروغگویان سینه سپر می کنند و با صدای بلند واقعیات را به زبان می آورند. این راز بزرگ غولی است که ویکی لیکس از بطری آزاد کرده است. با هیچ ترفندی حتا از نوع اتهام جنسی، این غول به بطری باز نخواهد گشت.

شمانه ادعا می کرد عراق قادر است در ۷۲ ساعت سلاح کشتار جمعی خود را راه اندازی کند، به دادگاه می کشانید و حداقل به جرم دروغ گویی، جنگ افروزی و فریب افکار عمومی به زندان می انداخت، اکنون پادوهای دست چندم دستگاههای زور گویی نمی توانستند چنین پرونده بی ارزشی بسازند و با آن کسی را به دادگاه بکشاند که جرمش اطلاع رسانی و برملا کردن اطلاعاتی است که مردم حق آگاهی از آن را دارند. این شعاری است که خود سیاستمداران دروغگویی تکرار می کنند که عمل شان فرسنگها از آن فاصله دارد. با این حساب، دانستن حق مردم است اما مردم حق دانستن آن چیزی هایی را دارند که ما تعیین می کنیم و هر کس بیرون از این چهارچوب اقدامی کند، با داغ و درفش روبروست.

شاید ماشین سرکوبگری زورگویان و قلدران بین المللی بتواند جولیان آسانج و ویکی لیکس را خفه کند، شاید بتوانند با به کار گرفتن ویزا کارت، پی پال و بانکهای اقماری شان ویکی لیکس را از نظر مالی ناتوان کنند، شاید با از کارانداختن سایت آنها و از بین بردن آدرس اینترنتی شان جلو فعالیت افشاگرانه این مجموعه را بتوانند بگیرند اما آن چیزی که نمی شود جلو آن را سد کرد، اتفاقی است که افتاده است. این عمل که محصول دستگاه ارتباطی مدرن است، بخشی ضروری از جهان امروز خواهد بود. فعالیت برای وادار

زاپاتیستا، نخستین جنبش مسلحانه دوران جدید علیه جهانی سازی

جهان در آینه مرور.....

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۷)

زاپاتیستا، نخستین جنبش مسلحانه دوران جدید علیه جهانی سازی

لیلا جدیدی

حمایت از کارگران و روستاییان بدون زمینی بود که به دست مالکان بزرگ از مزارع و مراتع بیرون رانده می شدند. در دهه ۹۰ به منظور ایجاد زمینه برای پیوستن به قرارداد "نفتا" که سیاست آزاد سازی تجارت و سرمایه گذاری میان آمریکا، کانادا و مکزیک را به دست اجرا می گذاشت، اقتصاد از پیش شکننده روستاییان انتظار شدیدترین فشارها را می کشید. در واقع پیمان "نفتا" و اصلاحات آزادسازی اقتصادی، کشاورزان و سرخپوستان را وارد فرایند

خیال و آرزوی صحنه گردانان قرارداد مزبور بر باد رفت. یک تحلیلگر بانک بزرگ "چیس مانهتن" (Chase Manhattan) به نام "ریوردان روت" (Riordan Roett) در گزارشی که در ژانویه سال ۱۹۹۵، یک سال پس از عملیات مسلحانه زاپاتیستا به رووسای خود داد، هراس بانکهای غول آسا را از خیزش بومیانی که حتی به سلاحهای مدرن نیز دسترسی نداشتند، آشکار کرد. گزارش مذکور، ارتباط مستقیم بین بانکهای فراملیتی

وقتی نگهبان صدایم کرد و داشتم می رفتم، فریاد زد: "با چند نفر رفیق؟"

چگونه جنبش جهانی از زاپاتیستا آموخت؟

اگر روز تولدی برای جنبش جهانی علیه لیبرالیسم وجود داشته باشد، آن روز را بسیاری از فعالان این جنبش، اول ژانویه ۱۹۹۴ می دانند؛ روزی که فرمانده شورشی، ماکوس و زاپاتیستا در عملیاتی مسلحانه، ۶ شهرک در "چیپاس" را درست در اولین روز اجرای معاهده "نفتا" تصرف کردند و نزدیک به ۳ هزار زن و مرد سازماندهی شده از سوی جنبش زاپاتیستا، کنترل ایالت "چیپاس" را در جنوب مکزیک در دست گرفتند.

اگر چه پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی فرصتی استثنایی برای گسترش سرمایه داری به وجود آورد، همزمان آغازی دگرگونه برای کوشندگان سیاسی، اتحادیه ها، جنبشهای آزادیبخش و جنبشهای عدالت اجتماعی و همچنین فعالان محیط زیست نیز بود؛ جنبشهایی که در نهایت به حرکتی جهانی فرا رویدند. مبارزه با رشد سرمایه داری جهانی و

تاثیرات مخرب آن انرژی تازه ای در کوشندگان جنبشهای گوناگون دمید. این بار از این رو که با دشمن مشترکی مبارزه می کردند، به یکدیگر نزدیک شده و مخرج مشترکی یافتند. در مکزیک و به ویژه در "چیپاس"، یکی از فقیرترین ایالات مکزیک که بحران اقتصادی دهه ۸۰ بر زندگی و

دنیا چقدر بزرگ است؟ (خاطره ای از فرمانده مارکوس)

ارتش آزادیبخش ملی، مکزیک ۱۷ فوریه ۲۰۰۶

زیر فرمانده مارکوس پس از یک روز کامل شرکت در جلسه مقدماتی کارزاری دیگر (سپتامبر بود و سحرگاه، از ابرهایی که از دور دست می آمدند، باران می بارید) داشتیم به سوی کلبه ای می رفتیم که وسایل مان آنجا بود. ناگهان شش شهروند جوانی جلوی مرا گرفت: "گوش کن معاون! زاپاتیستا چکار می خواهد بکند؟" بدون این که بایستیم، گفتیم: "تغییر جهان"

اریکای شورشگر منتظر ماند تا تنها شویم و گفت: "هی معاون، اما دنیا خیلی بزرگه ها!" انگار می خواست بگوید که پاسخ احمقانه است و نمی فهمم چه می گویم. جواب دادم: "چقدر بزرگ؟"

همانطور به من خیره شد و تقریباً با ترحم گفت: "خیلی بزرگ" من پافشاری کردم: "آره، اما چقدر بزرگ؟"

لحظه ای فکر کرد و گفت: "خیلی بزرگتر از چیپاس"

در همین موقع خبر دادند که باید فوراً راه بیافتیم. وقتی برگشتم، اریکا یک کره در دستش بود، از آنهایی که در مدرسه برای درس دادن استفاده می کنند و به من گفت: "بین این نقطه چیپاس است و باقی همه دنیاست."

گردهماییهایی که زاپاتیستا برای ارتباط با جهان بر پا کردند، در نهایت میوه داد و به جنبش سیاتل در سال ۱۹۹۹ انجامید زیرا جنبش سیاتل، جنبشی شبکه ای گلوبال بود که پایگاه خود را در سال ۱۹۹۸ سازماندهی کرده بود؛ سازماندهی که ریشه در میتینگ "لا ریلیداد" در چیپاس داشت

معیشت مردم آن به سختی تاثیر گذاشته بود، قرارداد "نفتا" می بایست بدون هیچگونه مانعی به پیش می رفت. اما هنگامی که زاپاتیستا (EZLN) شکل تازه ای از مبارزه مسلحانه را در همان روزی که "نفتا" رسمیت یافت به صحنه آوردند، این

برای این که وقت داشته باشم پاسخ دهم، پییم را روشن کردم و در همان حال گفتم: "هوم!"

اریکا پافشاری کرد و گفت: "حالا دیدی که دنیا خیلی بزرگه؟"

گفتم: "آره، ولی ما به تنهایی که آن را عوض نمی کنیم، بلکه به همراه رفقای زیادی از همه جا این کار را می کنیم."



نوسازی نمی کرد. از این رو، این جنبش، مخالف نتایج تبعیض آمیز نوسازی اقتصادی بود. مانیفست جنبش مدنی زاپاتیستا در اوت ۱۹۹۵ اعلام کرد: "جنبش مدنی زاپاتیستا قیامی است که با کسب همبستگی اجتماعی در برابر جنایت سازمان یافته ناشی از قدرت پول و دولت مبارزه می کند." (بخشی از اطلاعات بالا در ویکیپدیا انگلیسی مندرج است)

موسسه Ran (فعال در حفظ محیط زیست) در این باره نوشت: "مکزیک یعنی، ملتی که نخستین الگوی انقلاب اجتماعی قرن بیستم را پدید آورد و اکنون صحنه پیدایش نخستین الگوی شبکه اجتماعی فراملی در قرن ۲۱ است."

"مانوئل کاستلز"، جامعه شناس اسپانیایی و نویسنده "عصر اطلاعات" نیز در این باره گفت: "زاپاتیستاها قصد براندازی ندارند، بلکه شورش گرانی مشروع هستند. آنان میهن پرستان مکزیک هستند که علیه سلطه خارجی بقیه در صفحه ۱۱

در شمال و سرکوب دولتی در جنوب را آشکار می کرد. وی در این باره نوشت: "اگر چه به عقیده ما "چیپاس" تهدید اساسی در ثبات سیاسی دولت مکزیک به شمار نمی رود اما بسیاری از سرمایه گزاران خواستار این هستند که دولت مکزیک زاپاتیستا را از صحنه محو کند تا بدین وسیله ثابت شود کنترل حاکمیت ملی و امنیت را در دست دارد."

جنبش زاپاتیستا اما نه تنها از میان نرفت، بلکه به کاتالیزاتوری برای کوشندگان آمریکای شمالی تبدیل گردید. تاثیری که این جنبش بر فعالان آمریکای شمالی که تازه مبارزه علیه جهانی سازی را آغاز کرده بودند گذاشت، آنچنان عمیق، آموزنده و الهام بخش بود که از تصور دور بود.

در باره زاپاتیستا

اعضای زاپاتیستا، روستاییانی هستند اکثراً سرخپوست که از دهه ۴۰ میلادی در جنگلهای استوایی "لاکاندون" واقع در مرز گواتمالا آغاز به مبارزه ای متشکل کردند. نخستین هدف آنان

زاپاتیستا، نخستین جنبش مسلحانه دوران جدید علیه جهانی سازی

بقیه از صفحه ۱۰

و امپریالیسم آمریکا دست به اسلحه برده‌اند.

زیر فرمانده مارکوس، سخنگوی "ارتش رهایی بخش مکزیک" همچنین نویسنده، شاعر سیاسی و مخالف سرسخت جهانی سازی، سرمایه داری و نو - لیبرالیسم است. در ادبیات سیاسی، برخی از این چریک معروف و بسیار محبوب مردم مکزیک، به عنوان "چه گوارای نو" و پسا نوین یاد کرده‌اند. زیر فرمانده مارکوس که تقریباً تمام نوشته‌ها، بیانیه‌ها و اعلامیه‌های جنبش به قلم اوست، اسم مستعار مردی است که به سنت سرخ‌پوستان دوران پیش از کشف آمریکا توسط کریستف کلمب، نقاب بر چهره می‌زند و در نوشته‌هایش به طور مکرر به افسانه‌های سرخ‌پوستی و مایایی رجوع می‌کند و از آنها الهام می‌گیرد.

جنبش مدنی زاپاتیستا موفق به جلب پشتیبانان داخلی و بین‌المللی بسیاری از راه شبکه ارتباطی جهانی شده است.

تأثیرات و آموزش‌های جنبش زاپاتیستا بر جنبش جهانی سازی

"برایان دومینیگ" (Brian Dominick)، یکی از سازمان دهندگان جنبش متحد "اقدام مستقیم" (direct-action) و بنیانگذار و سردبیر نشریه "استاندارد تازه" (The New Standard) در سال ۲۰۰۱ در باره تأثیر افشاگرانه حرکت زاپاتیستا می‌نویسد: "عده ای از ما تلاش می‌کردیم که به اجرا گذاشته شدن قرارداد "فتا" را متوقف کنیم. ما سر خود را می‌خاراندیم که چکار باید کرد. تظاهراتی داشتیم که بنا به استانداردهای امروزی حقیرانه بود. من در یکی از آنها شرکت کردم ولی آن قدر کوچک بود که در خاطر من هیچ نمانده است، یعنی واقعا آن گونه نبود که بشود در مورد آن نوشت. ما برای پیدا کردن راهی برای افشگری و این که به جامعه خود بفهمانیم چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد، درمانده شده بودیم. گروه‌های مختلف که می‌دانستند این

قرارداد چه تأثیری بر ما دارد، از بی اطلاعی جامعه در اینجا (ایالات متحده) و یا کانادا متأثر می‌شدند. به ناگاه، در ژانویه ۱۹۹۴ حادثه ای رخ داد که چنین جوی را دگرگون کرد. این حادثه همان قیام مسلحانه زاپاتیستا در چیپاس، مکزیک که جنوبی‌ترین و فقیرترین ایالت است، رخ داد.

بومیان این منطقه از مدت‌ها قبل سازماندهی کرده بودند، سازماندهی آنان سالها طول کشیده بود و اکنون که قرارداد "فتا" به عنوان اولین علامت نو - لیبرالیسم در این نیمکره آمده بود تا تأثیر فاحشی بر آینده آنان و آینده مکزیک، آمریکای شمالی و کانادا بگذارد، آنها به خود گفتند: "جهنم را بر سرشان آوار می‌کنیم".

جنبش زاپاتیستا حرکتی مستقل بود که حمایتی سراسری و سریع در مکزیک و بخشی از چپ رادیکال در آمریکا و کانادا را کسب کرد. این برای ما ایجاد یک جهش بود؛ یک جهش بزرگ اخلاقی. افزوده بر آن، ما درس‌هایی در باره سازماندهی علیه جهانی سازی را نیز آموختیم.

این آموزش‌ها چه بودند؟ به گفته زیر فرمانده مارکوس: "پاسخ باید در این باشد که ما به مرحله ای رسیده بودیم که باید خودمان را از جنبش‌های سنتی رهایی بخش ملی سیاسی - نظامی دهه

برای ما این کشمکش، بین دو هژمونی است که در آن برنده، خوب و بازنده، بد است اما برای بقیه جامعه در اساس هیچ چیز تغییر نمی‌کند. ما نمی‌توانیم بر پایه جدال بر سر این که چه کسی هژمونی خود را بر جامعه اعمال می‌کند، جهان و جامعه را بازسازی کنیم و یا بر خرابه‌ها دولت ملی بنا کنیم. جهان به طور عام و جامعه مکزیک به طور خاص از انواع مختلف مردم تشکیل شده است و رابطه بین آنها باید بر پایه احترام به یکدیگر و تحمل هم بنا شود. اینها مواردی هستند که در هیچ یک از مباحث سازمانهای سیاسی - نظامی دهه ۶۰ و ۷۰ دیده نمی‌شود. واقعیت مانند همیشه صورت حساب خودش را روی میز جنبش‌های رهایی بخش مسلحانه آن روزها گذاشته است و بهای آن نیز بسیار زیاد بوده است."

دومونیک ادامه می‌دهد: "پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فضا به گونه ای درآمد بود که مارکسیسم از سوی بسیاری در جنبش، برچسب انحرافی، ناقص و استبدادی می‌خورد که بیشتر ریشه در آگاهی نداشتن از گوناگونی انواع مارکسیسم داشت و یا به طور کلی به نپرداختن عمیق به چپ مربوط می‌شد.

در جنبش جهانی، گرایش‌های ضد

جنبش زاپاتیستا حرکتی مستقل بود که حمایتی سراسری و سریع در مکزیک و بخشی از چپ رادیکال در آمریکا و کانادا را کسب کرد. این برای ما ایجاد یک جهش بود؛ یک جهش بزرگ اخلاقی. افزوده بر آن، ما درس‌هایی در باره سازماندهی علیه جهانی سازی را نیز آموختیم.

سراسر جهان به سرعت به ترتیب دادن و سازماندهی میتینگ‌هایی در کشورها و مناطق خود دست زدند. برگزاری این گردهماییه، تفکر، بحث، نوشته‌ها و دیگر آموزش‌های ابتکاری را به صحنه آورد. این در حالی بود که گردهماییه‌های یاد شده هیچگونه حمایت مالی دولتی نداشتند، کنفرانس‌های مجهزی نبودند و وعده منفی (مالی و یا انتشاراتی) به کسی نمی‌دادند. تنها نفع آن سرعت بخشیدن به مبارزات جامعه جهانی و برپایی جهانی نو بود. این همه مشارکت، این همه راهکار و تاکتیک‌های گوناگون و پر هزینه، واقعا اعجاز برانگیز بود."

گردهماییه‌هایی که زاپاتیستا برای ارتباط با جهان بر پا کردند، در نهایت میوه داد و به جنبش سیاتل در سال ۱۹۹۹ انجامید زیرا جنبش سیاتل، جنبشی شبکه ای گلوبال بود که پایگاه خود را در سال ۱۹۹۸ سازماندهی کرده بود؛ سازماندهی که ریشه در میتینگ "لا ریلیداد" در چیپاس داشت. در این میتینگ فراخوان شرکت در تظاهرات سال ۱۹۹۹ زیر نام N30 علیه نشست سازمان تجارت جهانی در سیاتل داده شد.

مارکسیسم بیشتر در ایالات متحده به چشم می‌خورد تا در اروپا و یا آمریکای لاتین. بخشی از آن به این دلیل است که ایده‌های مارکسیستی بیشتر در روشنفکران و در سنت سیاسی اروپا و آمریکای لاتین وجود دارد تا در ایالات متحده.

نگاه منتقدانه به استراتژیهای انقلابی و روال معمول، پیام بسیار مهمی از سوی زاپاتیستا بود که بسیاری از کوشندگان آمریکایی که به "چیپاس" رفتند، از آن آموختند و پیامش را با خود به آمریکای شمالی آوردند."

تجربه یک گردهمایی

تاریخچه و گذشته زاپاتیستا که پیوند با گروه‌های به حاشیه رانده شده، به ویژه با مردم بومی و همچنین همجنس گرایان و دگر جنس گونه گان از شناسه های آنان بود، تأثیر قدرتمندی در فعالان آمریکا داشت. این گرایش و تفکر، موضع بسیاری از کسانی بود که در جنبش‌های حقوق مدنی و جنسیتی و مشخصه های فرهنگی فعال بودند. مهمتر آن که، زاپاتیستا به این درک که نیاز به سازماندهی علیه نو - لیبرالیسم وجود دارد، رسیده بودند و به همین خاطر کوشندگان این جنبش را از

تحولات عراق

آناهیتا اردوان

علاوی تا کنون بارها اعلام کرده است که تشکیل "شورای ملی سیاستهای استراتژیک" و تدوین آیین نامه این شورا برای شراکت "لیست العراقیه" در ساختار سیاسی آینده عراق الزامی می باشد.

با توجه به وابستگی المالکی به رژیم حاکم بر تهران که تمام تلاش خود را بر به هم زدن توازن قوا به نفع باند وابسته خود متمرکز می کند، مساله تشکیل شورای سیاستهای استراتژیک، مفاد آن و میزان اختیارات آن مساله ایست که تاثیر بسزایی بر تغییر توازن قوا در ساختار سیاسی دولت عراق دارد.

*** تصویب قانون الغای احکام ریشه کنی بعث در پارلمان عراق و لغو یک سری تحریمها علیه عراق در شورای امنیت سازمان ملل**

*** ویکی لیکس هم بر امر وابستگی مالکی و دخالتهای رژیم ایران در عراق صحه گذاشت**

*** اعتراض روشنفکران عراقی به سیاستهای نوری المالکی، تشدید ترور روشنفکران عراقی**

تصویب قانون الغای احکام ریشه کنی بعث در پارلمان عراق و لغو یک سری تحریمها علیه عراق در شورای امنیت سازمان ملل

روند تشکیل دولت آینده عراق با توجه به کارشکنیهای المالکی و نیروهای وابسته به رژیم در ساختار سیاسی عراق به کندی پیش رفت. روز دوشنبه ۲۰ نوامبر برابر با ۲۹ آبان جلسه پارلمان عراق تشکیل شد اما بدون اعلام تشکیل دولت و بحث پیرامون آن، توسط "اسامه النجیفی"، رییس مجلس پایان گرفت. در همین رابطه النجیفی از دریافت اسامی وزرای کابینه در یک کنفرانس مطبوعاتی که به طور مشترک بین او و المالکی صورت گرفته، خبر داده است. اسامه النجیفی قبلا در رابطه با سهم "العراقیه" از پستهای کلیدی در دولت آینده عراق ابراز داشته است که پستهای کلیدی از کادر سهمیه بندی خارج شده است و توزیع آنها به موجب سهمیه پارلمانی هر فراکسیون خواهد بود که بر این اساس "العراقیه" یازده وزارتخانه از جمله وزارت دفاع، وزارت امور مالی و دارایی، وزارت مشاورت در امور عشایری و مجتمع مدنی و چند وزارتخانه دیگر خواهد داشت. افزوده بر این، او دوباره بر تشکیل "شورای ملی سیاستهای استراتژیک" تاکید کرده است که می بایست در کادر مهلت زمانی مشخص و با توافق تمامی طرفها تدوین شود. گفتنی است که اید

در دولت جدید کسب می کنند، شروع به فعالیت کنند. "ظافر العانی" تصویب لغو احکام ریشه کنی را نشان دهنده یک علامت مثبت و گامی در جهت اجرای توافقیهای سیاسی و توافق بر سر تشکیل دولت جدید دانست. "طه اللهیبی" از اعضای ائتلاف "العراقیه" درباره لغو حذف رهبران آن گفت: "این تصمیم از ابتدا سیاسی و هدفش جنگ با العراقیه بود که توسط عوامل رژیم ایران پیش برده شد و حال این ریشه کنی لغو شد".

وی در پاسخ به این سوال که پیامدهای این تصمیم گیری چیست؟ گفت: "وقتی که در مجلس که عالی ترین ارگان در کشور محسوب می شود، رای گیری شد، این موضوع به پایان رسیده. هیچ طرف دیگری نمی تواند آن را تغییر دهد مگر این که طبق روشهای قانونی توسط ریاست جمهوری وتو شود".

یکی دیگر از مسایلی که ماه گذشته در



جریان تشکیل دولت جدید بر وضعیت معیشتی و وضعیت بحرانی اقتصادی کشور عراق تاثیر دارد، حذف یک سری تحریمها اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل است. به گزارش تلویزیون العربیه، شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه ویژه ای به ریاست "جو بایدن"، معاون ریاست جمهوری آمریکا، به اتفاق آرا ممنوعیت فعالیتها و اتمی مسالمت آمیز عراق و برنامه نفت در مقابل غذا در عراق را لغو کرد. شورای امنیت همچنین معافیت عراق در رابطه با پرداخت غرامت جنگی مربوط به جنگ کویت را تا ژوئیه آینده تمدید کرد.

موضوع نامزدیهایی که "لیست العراقیه" به عنوان وزیر برای وزارتخانه تحت قدرتش نیز به مجلس ارائه داده است نیز مساله دیگریست که قادر است تشکیل دولت آینده را با کشمکش روبرو سازد.

مساله ای که چندی پیش چراغ امید در دل نیروهای ملی و مترقی عراقی در مسیر مشارکت در دولت آینده روشن ساخت، تصویب قانون "الغای احکام ریشه کنی بعث" در رابطه با دکتر "صالح المطلک"، دبیر "جنبش ملی عراق"، دکتر "ظافر العانی"، دبیرکل "تجمع آینده عراق" و دکتر "جمال کربولی"، دبیرکل "جنبش حل عراق" در مجلس نمایندگان عراق می باشد. تصویب لغو احکام ریشه کنی در غیاب اعضای "اتحاد ملی"، صورت گرفت که با رای مثبت ۱۰۹ تن از ۱۷۰ نماینده حاضر در اجلاس به تصویب رسید. تصویب این قانون یکی از پیش شرطهای تشکیل دولت آینده بود که صورت گرفت. تلویزیون الجزیره در این رابطه گفت که این گامی است در جهت اجرای توافقیهای فراکسیونی سیاسی تا با لغو حذف این سه شخصیت، آنان بتوانند با پستهای که

بیانگر این است که آمریکا هم چنان با موضوع عراق درگیر است و آن را رها نکرده است.

زیباری در ادامه مصاحبه خود گفت، پایان دادن به تحریمها، وزارت دفاع را قادر می سازد تا دست به خرید توپخانه یا موشکهایی بزند که برد آنها بیش از ۱۵۰ کیلومتر است.

بایدن بر ضرورت رعایت حقوق بشر و مشارکت ملی برای تشکیل دولت عراق تاکید کرد. معاون رییس جمهور آمریکا تصریح کرد: "ما به همکاری خود در زمینه های سیاسی، نظامی و اقتصادی ادامه می دهیم تا عراقی به ثبات برسد". در همین رابطه، ریاست شورای امنیت ضمن تاکید بر تعهدات این شورا نسبت به استقلال، حاکمیت، اتحاد و تمامیت ارضی عراق، از پروسه سیاسی فراگیر و توافق تقسیم قدرت توسط رهبران عراق برای تشکیل یک دولت مشارکت ملی به نحوی که بیانگر خواست مردم عراق در انتخابات پارلمانی ۷ مارس ۲۰۱۰ باشد، حمایت کرد. این بیانیه همچنین رهبران عراق را به پیگیری یک عراق فدرال، دموکراتیک، کثرت گرا و متحد بر اساس حکومت قانون و احترام به حقوق بشر تشویق کرده و تاکید می کند که توسل به اقدامات تروریستی، نمی تواند مسیر عراق به سوی صلح، دموکراسی و بازسازی را که خواست مردم عراق و مورد حمایت جامعه بین المللی است، متوقف سازد.

کاخ سفید نیز اجلاس ویژه شورای امنیت ملل متحد درباره عراق را سرفصل مهمی در از سرگیری روابط طبیعی عراق با جامعه بین المللی توصیف کرد.

با لغو این تحریمها با پیشنهاد و شرکت فعالانه جو بایدن به نظر می رسد که آمریکا برای رسیدن به اهداف امپریالیستی خود در منطقه و رام کردن ارتجاع حاکم بر تهران گامی به پیش برداشته است. سیاست "سکوت" و "بازی کردن نقش دروغین بی طرفی" از سوی امپریالیسم در منطقه، رنگ باخته و مصمم است با استفاده از ابزارهای اعمال قدرت جهانی خود در برابر اعمال سیاستهای حریف، مانع ایجاد کند.

ویکی لیکس هم بر امر وابستگی مالکی و دخالتهای

رژیم در عراق صحه می گذارد

اسناد جدید ویکی لیکس فاش می کند که عناصر نیروی قدس سپاه پاسداران که در عراق هستند، خود را برای خروج نیروهای آمریکایی در سال ۲۰۱۱ آماده و تقویت می کنند تا عراق را به کنترل در بیاورند. ویکی لیکس تلگرامی از سوی سفارت آمریکا در بغداد در سال

بقیه در صفحه ۱۳

هوشیار زیباری، وزیر خارجه عراق در مصاحبه ای با آسوشیتدپرس گفت که حضور جو بایدن و این قطعنامه ها

تحولات عراق

بقیه از صفحه ۱۲

نوشت: "بسیاری دولت‌ها معتقدند که نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق یک عامل رژیم تهران است."

ویکی لیکس کمکهای استبداد حاکم بر تهران به کارورانش در عراق را سالانه بیش از ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار اعلام کرد. این رسانه همچنین اعلام کرد که یک پنجم درخواست کنندگان ویزای ورود به عراق، دارای روابط احتمالی با سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رژیم بوده اند.

مجله تایم نوشت: "افشاگرهای اسناد ویکی لیکس که در ماه اکتبر منتشر شد، تعداد بیشماری از تلفات غیرنظامی گزارش نشده را برملا کرد که بسیاری از آنها به دست نیروهای امنیتی دولت مالکی صورت گرفته است. این به لحاظ مطبوعاتی برای یک سیاستمدار مورد مناقشه، وضعیت نامطلوبی است که به سختی می‌تواند آن را تحمل کند."

اعتراض روشنفکران عراقی به سیاستهای مالکی - تشدید و تجدید حیات ترور

به گزارش خبرگزاری العربیه، عده ای از مردم عراق در بغداد با برگزاری یک تظاهرات به اقدامات خلاف قانون مالکی علیه آزادیهای شهروندی اعتراض کردند. روی یکی از پلاکاردهای آنان نوشته شده بود: "بغداد، قندهار نیست!" آنها اعتقاد دارند که این اقدامات خواسته های استبداد حاکم بر تهران است که خواستار تبدیل عراق به یک نسخه مانند خودش توسط مالکی است. از دیگر سو، "کانون معلمان عراقی" نیز در نامه ای به سیاستهای نوری مالکی در وزارت آموزش و پرورش عراق اعتراض کرد. رییس این تشکل معلمان عراقی می گوید، این کانون خواهان آن است که وزارت آموزش و پرورش محلی برای ارضای تمایلات احزاب سیاسی نباشد و هر دو وزارتخانه آموزش و پرورش و آموزش عالی، مستقل و به دور از فشارهای حزبی باشند و وزیر آموزش و پرورش نیز باید از دل این وزارتخانه بیرون بیاید و کانون معلمان برای انتخاب این وزیر باید حق رای داشته باشد.

افزوده بر این، صدها تن از روشنفکران عراق در اعتراض به بستن باشگاههای اجتماعی و به بند کشیدن آزادیهای شهروندی با امضای بیانیه ای خطاب به سران سه گانه دولت آینده، خواستار لغو تصمیمهای دولت مالکی در این زمینه شدند. به گزارش روزنامه "الشرق الاوسط"، رییس "اتحادیه نویسندگان و ادبا" در سخنانی در همین رابطه گفت: "ما در عراق، دولت خمینی گرا و طالبان نمی خواهیم. اگر تجاوز به حریم آزادیها ادامه یابد، این می شود همان دیکتاتوری!"

در همین حال، اعضای شورای استان نینوا به سفر دانایی فر، سفیر ولی فقیه در عراق به

این استان اعتراض کردند. یکی از اعضای استان نینوا به تجاوزات رژیم ایران به عراق اشاره کرده و سفر دانایی فر به استان نینوا را رد کرد. این اعتراض، سفیر استبداد حاکم بر تهران را به دفاع از خود برانگیخته و به گزارش پایگاه خبری تحلیلی "عراق آزاد" در یک مصاحبه مطبوعاتی، دخالت دولتش در امور عراق را رد کرد.

از سوی دیگر، "تلویزیون الشرقیه" از آغاز مجدد ترورهای سازمان یافته دانشگاهیان و کارمندان در سراسر عراق خبر داد. بر اساس این گزارش، تنها در ۷۲ ساعت نزدیک به ۱۵ تن از نخبگان و متخصصان عراقی ترور شده اند. قاتلان به کلتهای دارای صدا خفه کن مسلح هستند. بر اساس گزارش برخی منابع و محافل عراقی، کشور همسایه (بخوانید رژیم ایران) و برخی نیروهای سیاسی موجود در سیستم وزارت کشور، دفاع و ارگانهای اطلاعاتی (بخوانید عناصر وابسته به رژیم) پشت این ترورها قرار دارند.

برآیند

نوری المالکی اصلی ترین عنصری است که استبداد حاکم بر تهران روی وی جهت پیشبرد تمایلات توسعه طلبانه خود در منطقه بیش از همه در عراق حساب باز می کند. از دیگر سو، وی از نظر بین المللی، از جانب نیروهای ملی و سکولار و نیز از سوی جامعه عراق تحت فشار قرار دارد. عجیب نیست که خبرگزاری فارس به تاریخ ۳۰ آذر ۸۹ به این موضوع اعتراف کرده و می نویسد: "در این دوره از تقسیم قدرت در عراق، بعثتها و افراد تند رو به پستیهای رسیده و خواهند رسید که آینده دولت مالکی را با چالشهایی روبرو می سازد."

با توجه به آگاهی روزافزون مردم عراق به وابستگی مالکی به استبداد مذهبی حاکم بر ایران، تصویب قانون الغای "احکام ریشه کنی بعث" در پارلمان عراق به عنوان یکی از اصول توافق شده در سر راه تشکیل دولت ائتلافی و تاکید دولتهای غربی (در راس آن آمریکا) بر تشکیل دولتی ائتلافی، شکل گیری دولتی که مالکی در آن اتوریته داشته باشد، مشکل تر شده است. اگرچه تشکیل دولتی که قادر باشد به مطالبات مردم عراق جامه عمل بپوشاند با شرایطی که عراق در چندین دهه جنگ، تحریم و اشغال (از سوی دو نیرو) گذرانده در دستور کار قرار ندارد اما ترکیب دولت آینده با آنچه رژیم ولایت فقیه همراه با گماشتگانش در خیال می پروراند، متفاوت خواهد بود. در آخرین روز ماه گذشته بالاخره وزرای پیشنهادی مالکی به مجلس به جز ۱۲ تن از آنها توانستند رای اعتماد مجلس را به دست آورند. ترکیب دولت مورد دلخواه مالکی نبوده و به میزانی تحمیلی است. با توجه به کنش و واکنشهایی که از جوانب مختلف در جریان است، در پیوندی ارگانیک با فرو پاشی مبنای تیوریک ولایت فقیه که بر "صدور انقلاب اسلامی" استوار است، این فرایند قادر است ساختار ایدیولوژیک رژیم ولایت فقیه را به عنوان نیرویی توسعه طلب، با مشکلات زیادی در منطقه روبرو سازد. در شماره آینده در مورد ترکیب دولت جدید عراق بیشتر خواهیم نوشت.

"حق مسلم"ی که پارلمان اروپا به

رسمیت شناخت

منصور امان

فراسوی خبر... ۶ آذر

رژیم جمهوری اسلامی یک هفته پس از محکومیت در کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دلیل پایمالی حقوق شهروندان ایرانی، ضربه دیگری از همین زاویه دریافت کرده است. پارلمان اروپا در یک بیانیه، سازمان ملل را فراخوانده است که حفاظت از شهر اشرف، محل استقرار اعضای مجاهدین خلق را به عهده بگیرد.

از هنگامی که دولت آمریکا در شهریور ۸۸، تامین امنیت ساکنان این شهر را به دولت آقای نوری مالکی سپرد، آنان به محاصره دایمی یگانهای ارتش و پلیس و افراد مسلح تحت حمایت رژیم ایران درآمدند. یورشهای گوناگون این نیروها به شهر اشرف، تاکنون ۱۱ کشته و بیش از هزار زخمی به جا گذاشته است.

سرکوب و حذف اعضای مجاهدین خلق در شهر اشرف، یکی از خواسته های محوری رژیم ولایت فقیه از دولتهای اشغالگر عراق و نیز نیروهای تحت الحمایه خود در این کشور است.

درخواست رسمی پارلمان اروپا از سازمان ملل برای مداخله و خاتمه بخشیدن به رفتار غیرانسانی دولت عراق، در حقیقت تاکید بر اجرا و محترم شمردن موافقتنامه ای است که بین آمریکا به عنوان فرماندهی نیروی چندملیتی و ساکنان شهر اشرف در مرداد ۸۳ به امضا رسید و در آن آمریکا موقعیت حقوقی آنان را به عنوان "اشخاص حفاظت شده" بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو به رسمیت شناخت. براساس مفاد

صریح کنوانسیون مزبور، ساکنان اشرف دارای کلیه حقوق شهروندی شناخته می شوند و حمله یا پایمالی حقوق آنها، جرم و موجب پیگرد به شمار می رود.

دولت آمریکا به دلیل مصلحتهای سیاست خود در عراق، در عمل این توافقنامه را زیر پا گذاشت و سرنوشت طرفهای بی دفاع توافقنامه را به دولت آقای مالکی و باندهای سپاه پیرامون آن وانهاد. اسناد منتشر شده پنتاگون در وبگاه "ویکی لیکس" نشان می دهد که کاخ سفید هرگز نسبت به روشهای خشونت آمیز، غیرانسانی و اغلب وحشیانه ای که دولت عراق علیه مخالفان، دستگیرشدگان و کسانی که زیر اتوریته آن قرار گرفته اند به کار بسته، دچار سووتفاهم نبوده است.

ایستادگی ستایش برانگیز ساکنان تحت محاصره اشرف، کارزار بین المللی برای دفاع از حقوق آنها را شکل داده و به پیش برده است. حق پایه ای آنها، مخالفت فعال با رژیمی است که میهن و مردمان شان را به گروگان گرفته است. اعتراض و دخالت جامعه بین المللی برای کوتاه کردن دست دراز شده رژیم جمهوری اسلامی بر این حق در عراق، شناسایی اعتراض مردم ایران به حکومت ولایت فقیه و تاکید بر حق مسلم آنها در این زمینه به طور عام است.

این پیامی است که آیت الله خامنه ای و دستگاه مستبد او را برای بار دوم در طول فقط هفت روز، به استان جُنون در عمل و انفعال در سیاست می کشاند.

وحشت رژیم جمهوری اسلامی از برپایی مراسم مذهبی توسط مردم جعفر پویه

فراسوی خبر .. آدینه ۲۶
فقیه با تهدید خانواده های کشته شدگان در مراسم عاشورای سال گذشته، آنان را از برگزاری هرگونه مراسم سالگرد عزیزانشان چه در بهشت زهرا و یا در مکان دیگری منع کرده است. رژیم ولایت فقیه و آخوندهای دزد و چپاولگر حتا از برگزاری مراسم حکومتی مذهبی ترسیده و کلیه نمایش های حکومتی خود را نیز تعطیل کرده اند. سازمان حکومتی تبلیغات اسلامی که هرساله نمایشهای پر سر و صدایی برپا می کرد، از ترس مردم هیچ گونه مراسمی برگزار نکرده است.

به زبان ساده، رژیمی که خود را اسلامی می نامد و نعره های اسلام خواهی آخوندهای دارند. آنها بسیاری از مسیرها را بسته و از حرکت دسته های عزاداری جلوگیری می کنند. نیروها مسلح حاضر در خیابانها با متوقف کردن شهروندان آنان را به دلیل حضور در خیابان بازخواست می کنند.

این همه درحالی اتفاق می افتد که در اولین ساعات روز گذشته (پنج شنبه) خانواده زندانی اعتصاب غذا کرده، محمد نوری زاد در برابر زندان اوین دستگیر و روانه بازداشتگاه می شوند. قابل ذکر است که به همراه همسر و سه کودک نوری زاد، پدر و مادر و همچنین برادران و دیگر افراد فامیل او که برای اعتراض به وضعیت زندانی خود در برابر اوین حضور یافته بودند، به طور دستجمعی دستگیر شده اند.

همچنین روز قبل از آن، اوباش وزارت اطلاعات با حمله به منزل صباغیان از برگزاری مراسم تاسوعا جلوگیری کرده و صاحبخانه و چند تن از حضار را به جرم برپایی مراسم مذهبی دستگیر کرده اند.

طبق خبرهای منتشر شده، وزارت اطلاعات رژیم ولایت

مجاهد خلق مهدی فتحی پس از یک سال مقاومت در مقابل سرطان، بدلیل ممانعت نیروهای عراقی از معالجه به موقع، در اشرف در گذشت

و ایستادگی مهدی را که هم با بیماری و هم با فشارهای ضدانسانی رژیم آخوندی و مزدوران عراقی اش در نبرد بود، یک حماسه خاموش و فراموش نشدنی و مظهری از اراده مردم ایران برای کسب آزادی توصیف کرد. وی با تاکید بر اینکه این مجاهد سرفراز در آخرین ماه های حیات خود با زجرها و دردهای ناشی از فقدان رسیدگی های پزشکی، یک بیمار تحت شکنجه بود گفت مسئولیت درگذشت او مستقیماً برعهده دولت مالکی و کمیته سرکوب تحت فرمان اوست.

خانم رجوی با یاد آوری اینکه امروز شمار زیادی از بیماران همچون مهدی فتحی از محاصره ضد انسانی اشرف رنج می برند، از آمریکا و ملل متحد خواست با برعهده گرفتن مسئولیت خود در حفاظت و نظارت دائم بر وضعیت اشرف، از وقوع تراژدها و فجایع جدید جلوگیری کنند و از عموم مجامع بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر خواست با محکوم کردن این واقعه تکان دهنده، به مسئولیت خود برای لغو محاصره و پایان دادن به شکنجه روانی و شبانه روزی اشرف با ۱۴۰ بلندگو عمل کنند.

کمیته بین المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف در نامه ای به آقای ملکرنت نماینده ویژه دبیرکل در عراق در تاریخ ۲۰ اوت ۲۰۱۰ نوشت: "آقای مهدی فتحی ... بدلیل مانع تراشی های کمیته برای بستری شدن در بیمارستان و تأخیر در عمل جراحی، یکی از کلیه های خود را از دست داد و اکنون بایستی هر چه زودتر تحت عمل جراحی دیگری قرار گیرد. در غیر اینصورت جان وی در معرض خطر جدی قرار خواهد داشت. ولی علیرغم این فوریت کمیته سرکوب اشرف با بهانه های مختلف از انتقال وی ممانعت میکند...". خود وی نیز در نامه های متعدد از جمله ۲۶ ژوئن ۱۲ مارس ۲۰۱۰، به مقامات سازمان ملل، محدودیتهای ظالمانه پزشکی در مورد خودش را تشریح کرده بود.

خانم رجوی روز ۱ دسامبر در سخنرانی خود در پارلمان اروپا، مقامات اتحادیه اروپا و بخصوص بارونس اشتون را به اقدامات فوری برای خاتمه دادن به محاصره ظالمانه اشرف بویژه در زمینه دسترسی بیماران به خدمات پزشکی و پایان دادن به شکنجه روانی ساکنان اشرف فراخواند یک هفته قبل از آن در ۲۴ نوامبر در جلسه اعلام حمایت ۵۰۰۰ شهردار فرانسوی از اشرف گفت "آقای مهدی فتحی که به سرطان کلیه مبتلاست هم اکنون در وضعیت بسیار وخیمی قرار دارد کارشکنی های مقامات عراقی در امر درمان مهدی باعث وخامت وضعیت او شده بطوری که پزشکان از او قطع امید کرده اند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۱۹ آذر ۱۳۸۹ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۰)

خانم رجوی درگذشت مهدی فتحی را به اشرفیان و عموم اعضا و هواداران مقاومت تسلیت گفت و مالکی را مسئول این تراژدی دانست
صبح امروز ۱۹ آذر ۱۳۸۹ مجاهد خلق، اشرفی قهرمان، مهدی فتحی پس از یکسال مقاومت در برابر بیماری سرطان و در حالیکه که کارشکنی نیروهای تحت امر مالکی با ایجاد تاخیر چند ماهه در انتقال او به بیمارستان تخصصی، بیماری او را غیر قابل برگشت کرده بود، در گذشت.
وی اولین بار در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۹ به علت بیماری کلیوی در بیمارستان اشرف که تحت کنترل نیروهای عراقی است بستری شد. اما بدلیل محدودیتهای ضد انسانی کمیته سرکوب اشرف و عدم دسترسی به بیمارستان و پزشک متخصص بیماری او مستمراً تشدید و دچار خونریزی وسیع داخلی شد و به ناچار تحت عمل جراحی اورژانس قرار گرفت

کمیته سرکوب اشرف و مسئول عراقی بیمارستان اشرف بارها اعزام وی به بغداد را کنسل کردند. تنها ۴۵ روز طول کشید تا بیمار را برای ویزیت متخصص اورولوژی به بیمارستانی در بغداد منتقل کنند. پزشکان متخصص اورولوژی با تشخیص تومور کلیه تأکید کرده بودند بیمار بدون تأخیر باید تحت رسیدگیهای فوری قرار گیرد اما بیش از سه ماه کمیته سرکوب اشرف و مدیر بیمارستان با کارشکنی ها مختلف مانع انتقال و بستری شدن او در بیمارستان شدند.

در نهایت وی در ۲۲ اوت ۲۰۱۰ با چند ماه تأخیر برای عمل جراحی منتقل و بلافاصله در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفت. پزشک جراح بعد از مشاهده وضعیت داخلی بیمار گفت بدلیل تاخیر در عمل تومور تمام بدن را در بر گرفته و عمل جراحی بی فایده است. پزشک جراح طی نامه ای نوشت تومور به علت دیرکرد در عمل جراحی گسترش یافته است. پزشکان گفتند اگر این عمل در هفته های اول انجام میشد قابل علاج بود و هیچگاه بیمار به چنین وضعیتی نمی رسید. چند هفته قبل که مهدی فتحی برای آخرین بار در بیمارستان بعقوبه در ۴۰ کیلومتری اشرف بستری شد و نیاز به ۶ کیسه خون داشت، نه بیمارستان چنین خونی به او داد و نه ماموران عراقی اجازه میدادند ساکنان اشرف برای دادن خون به بیمارستان بروند. علاوه بر وضعیت وخیم جسمی وی در ماههای اخیر بخاطر فریادهای گوشخراش مزدوران اطلاعات آخوندی با ۱۴۰ بلندگو تحت فشار مضاعف قرار داشت.

خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران درگذشت مجاهد صدیق مهدی فتحی را که از سمبل های درخشان پایداری اشرف است، به مجاهدان اشرف و عموم اعضا و هواداران مجاهدین و مقاومت و به خانواده او تسلیت گفت

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- وقتی آتش و آب با یکدیگر می‌جنگند، این آتش است که شکست می‌خورد (ضرب المثل اسپانیایی)
- صلح در روابط بین المللی دورانی از کلک زدن بین دو جنگ است
- امبروس بیبرس، ژورنالیست آمریکایی (۱۹۱۴ - ۱۸۴۲)

وب سایت بنیاد گلشیری و احمد شاملو فیلتر شد

وب سایت رسمی احمد شاملو، نویسنده و شاعر ایرانی و وبگاه بنیاد هوشنگ گلشیری مسدود شده است. سایت احمد شاملو، شاعر معاصر ایران از ۲۲ آبان، مسدود شده است. آیدا سرکیسیان، همسر آقای شاملو که مدیریت سایت او را برعهده دارد، این خبر را تایید کرد و گفت که از طریق علاقه‌مندان این شاعر از مسدود شدن سایت خبر دار شده است.

ادبیات

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در تبعید (درباره دستگیری فریبرز ریسی دانا)

کانون نویسندگان ایران، در تبعید به مناسبت دستگیری آقای فریبرز ریسی دانا اطلاعیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

"فریبرز ریسی دانا، عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران و استاد اقتصاد در اولین ساعت روز یکشنبه ۲۸ آذرماه در خانه اش مورد هجوم ماموران امنیتی، رژیم قرار گرفت و بازداشت شد. در این هجوم، ماموران امنیتی تمامی وسایل ارتباطی ریسی دانا به ویژه کامپیوتر دست، و سه دی‌های حاوی نوشته‌های او را با خود بردند. دستگیری ریسی دانا در پی یک گفتگوی تلویزیونی و انتقاد از "هدفمند کردن کردن یارانه‌ها" صورت گرفت که احمدی نژاد ساعاتی پیش از آن، آغاز آن را اعلام کرده بود.

ریسی دانا در این اظهار نظر گفت: "... من می‌دانم که (دولت) چند هدف دارد. یکی این‌که بگذارد این پرداختهای نقدی تبخیر شود و در زیر تابش تورم به تدریج از بین برود. بعد هم گروه‌های خودی را تشخیص بدهد و بیاورد این نقدینه‌ها را بگذارد در کف دست‌شان و از طرف دیگر هم از شر هزینه‌های بودجه خلاص شود و بتواند بودجه را به سمت خریدهای تسلیحاتی یا خریدهای دیگری که دارد، هدایت کند."

او همچنین گفت: "دولتهای قبلی هم سعی داشتند که یارانه‌ها را حذف کنند اما هیچ‌کدام مثل محمود احمدی‌نژاد حمایت ارتش و سپاه و نیروهای نظامی را نداشتند." دستگیری فریبرز ریسی دانا، نمونه بارز دیگری از هجوم به کسانی است که بخواهند در مورد این سیاست احمدی نژاد به انتقاد بپردازند."

داوطلبان، از میان ۲۵ عنوان، که اعضای هیات داوران شب جهانی کتاب انتخاب کرده اند، عنوان مورد علاقه خود را سفارش می‌دهند. از هر عنوان، کتاب، ۴۰ هزار نسخه چاپ خواهد شد.

در این فهرست ۲۵ تایی، کتابهایی از "جان لو کاره"، "تونی موریسون" و "گزیده اشعار شیموس هینی" دیده می‌شود.

"عشق سالهای وبا"، نوشته "کاپریل گارسیا مارکز"، "قاتل کور"، نوشته "مارگارت اتوود"، "یک زندگی شبیه زندگی بقیه آدمها" نوشته، "آلن بنت"، "حادثه عجیب سگ در شب"، نوشته "مارک هدن" و "زندگی، یه،" نوشته "یان مارتل" از جمله کتابهای این فهرست اند.

داوطلبان، تا روز چهارم ژانویه فرصت دارند که کتاب مورد نظر خود را در سایت سفارش بدهند.

چین از خروج هنرمند برجسته چینی جلوگیری کرد



"آی وی وی"، هنرمند برجسته چینی، اعلام کرد که دولت چین، از خروج او از این کشور جلوگیری کرده است. وی این اقدام دولت چین را به ارتباط به برگزاری مراسم اهدای جوایز صلح نوبل که هفته بعد در نروژ انجام خواهد شد، ندانست.

گفته می‌شود مقامات چینی، تلاش می‌کنند که فعالان سیاسی را از حضور در مراسم اهدای جایزه نوبل باز دارند. آقای "آی وی وی" بارها خشم مقامات چینی را برانگیخته است. کمیته نوبل قرار است جایزه صلح امسال را به "لیو شیائوبو" که هم اکنون در چین زندانی است، اهدا کند.

نادین گوردیمر در اعتراض به سانسور: دیگر نمی‌نویسم

"نادین گوردیمر"، نویسنده بزرگ اهل آفریقای جنوبی، از مبارزان پرشور مدافع برابری نژادی و برنده نوبل ادبیات، مجموعه جستارهای خود را که در جریان سالهای میان ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۸ نوشته بود، در یک کتاب منتشر کرده است. این دومین سری مجموعه "زمانهای نوشتن و زندگی" است. پیش از این گوردیمر "زمانهای نوشتن و زندگی" (جلد یک) را منتشر کرده بود.

در مقدمه کتاب "زمانهای گفتن، نوشتن و زندگی" (جلد دوم)، "نادین

گوردیمر" با ستایش از "آلبر کامو"، نویسنده نامدار فرانسوی می‌نویسد: "جهان آنگلو ساکسون نیازمند یک کاموست."

"گوردیمر" سپس گفتاورد "کامو" که شهادتنامه او نیز به شمار می‌رود را بر زبان جاری کرده و می‌گوید: "این همان دمی ست که می‌خواهم بگویم، از این پس دیگر نخواهم نوشت. من به نوشتن پایان می‌دهم."

"نادین گوردیمر" با این گفته از "کامو"، شهادتنامه خود مبنی بر پایان نوشتن را خواند. او در آستانه ۸۷ سالگی نسبت به رویدادهای اجتماعی سرزمین مادریش آفریقای جنوبی خوش بین نیست و محدودیتهای اعمال شده برای آزادی بیان در کشورش را نادرست ارزیابی می‌کند.

از این رو برآن شده تا نویسندگان آفریقای جنوبی را برای پایان دادن به اعمال محدودیتهای بیشتر علیه آزادیهای اجتماعی کشورش برانگیزد. "نادین گوردیمر" می‌گوید: "در سرزمینی که نویسندگان از اعمال محدودیت و فشار اجتماعی در رنج

باشند، در سرزمینی که به بهانه‌های مختلف از جمله پشتوانه‌های مردمی حاکمیت یا مبارزه با توطیه‌های دشمنان، حقوق و آزادیهای نویسندگان محدود می‌گردد، باید دولت را به چالش گرفت و مانع از سلطه‌گری آن شد."

"گوردیمر" در گفتگو با "گاردین" گفته بود: "هرگز فکر نمی‌کردم پس از دستیابی آفریقای جنوبی به آزادی، بار دیگر ناچار شوم برای دفاع از آزادیهای اجتماعی در حوزه نوشتن، رمان، شعر یا داستان به اعتراض برخیزم."

موسیقی

کنسرت "یک جهان" به رهبری شاپور باستان سیر در استکهلم

کنسرت با شکوهی به نام "یک جهان"، به رهبری شاپور باستان سیر و با شرکت ۱۱ نوازنده و خواننده از ملیتهای مختلف در روز سه شنبه ۲ نوامبر، در شهر استکهلم در سالن زیبای "سدرا تیاترن" برگزار شد. هدف این کنسرت، ترسیم نگاه این گروه در زمینه نقش هنر و به خصوص موسیقی در پیوند تفکرات و فرهنگهای مختلف بود؛ نگاهی که هیچ مرز جغرافیایی قادر به مهار آن نیست.

هنرمندان شرکت کننده در این برنامه از ملیتهای مختلف از جمله ایرانی، سوئدی، نروژی، هندی، روسی، کرد عراقی و کرد ایرانی بودند. شاپور باستان سیر ۴ قطعه به نامهای

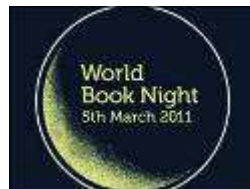
بقیه در صفحه ۱۶



آیدا سرکیسیان، همچنین گفته است که نمی‌داند دلیل مسدود شدن سایت احمد شاملو چیست. از روز پنجشنبه ۲۷ آبان نیز دسترسی از داخل ایران، به سایت بنیاد گلشیری که اداره آن را فرزانه طاهری، همسر آقای گلشیری برعهده دارد، مقدور نبوده است.

هوشنگ گلشیری از جمله نویسندگانی است که چاپ کتابهایش در بیشتر سالهای حکومت جمهوری اسلامی ممنوع بوده است.

توزیع یک میلیون کتاب رایگان در بریتانیا و ایرلند



به مناسبت نخستین شب جهانی کتاب، یک میلیون کتاب رایگان در بریتانیا و ایرلند توزیع می‌شود. داوطلبانی که کتاب مورد علاقه خود را در وب سایت "شب جهانی کتاب" انتخاب کنند، روز پنجم مارس ۲۰۱۱، نفری ۴۸ نسخه کتاب هدیه می‌گیرند تا به هر که بخواهند هدیه بدهند.

بار دگر ۱۶ آذر آمد و سر به سر در قلوب مردم شعله افکند

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۱۵ آذر ۵۷ سال از کشته شدن سه دانشجوی آزادیخواه دانشگاه تهران، شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا در ۱۶ آذر به دست مزدوران شاه می گذرد. رژیم شاه محکوم به سرنگونی، به این ترتیب لکه ننگی همیشگی از خود به جا گذاشت. امروز نیز که تحمل پاسداران استبداد و سرکوبگران مزدور در برابر اعتراضات دانشجویی به حداقل رسیده، دانشجویان خود را آماده گرامیداشت این روز و نوشتن سرنوشت محکوم به نیستی رژیم جمهوری اسلامی می کنند. دانشجویان با وجود در بند بودن سازمان دهندگان با تجربه تر خود، با تاکتیکهای اعتراضی ابتکاری و غافلگیرانه، پیام خود را که همانا زنده بودن جنبش و مقاومت است، بازگو می کنند.

در روزهای اخیر، بیانیه هایی از سوی شماری از تشکلهای دانشجویی به مناسبت روز دانشجوی در اعتراض به سیاستهای حکومت و تاکید بر حیات پویای جنبش دانشجویی، در شهرهای گوناگون ایران انتشار یافته است. از جمله این تشکلهای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، دانشجویان دموکراسی خواه دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران (مرکز)، دانشجویان سبز دانشگاه علم و صنعت تهران و فعالین دانشجویی دانشگاه های تبریز هستند.

سه تن از زندانیان سیاسی، کیوان صمیمی، رضا شریفی بوکانی و علی صارمی محبوس در زندان رجایی شهر کرج نیز در بیانیه ای به مناسبت روز دانشجو خواهان آزادی دانشجویان زندانی شده و از مطالبات دانشجویان سراسر کشور حمایت کرده و آنها را به ادامه مبارزه فرا خوانده اند.

نظمی که رژیم می خواست با مشت آهنین از راه دستگیری، نصب دوربین، نیروهای حراست و انتظامات، بسیجی و لباس شخصی و غیره ایجاد کند را دانشجویان با انتشار بیانیه ها، پوسترها، عکس دانشجویان زندانی، گرفتن فیلم از ابتکارات خود و انتشار آن، پخش نشریات دانشجویی و غیره درهم می شکنند.

همه علایم از شکل گرفتن انگیزه نیرومند تر استادگی و مبارزه در دانشگاه ها در مقایسه با ۱۶ آذر سال گذشته حکایت دارد.

تحرك جنبش دانشجویی و ادامه مبارزه آن در شرایط کنونی که تدابیر امنیتی حکومت و خفقان به درجه بی سابقه ای شدت پیدا کرده، نشان از تسلیم نشدن و عزم راسخ و اعلام ادامه مقاومت دارد.

دانشگاه انعکاس دهنده جو سیاسی در جامعه ایران است، از این رو شکستن اقتدار حکومت حتی در شرایط اختناق و با حرکتهای متعدد و کوچک، شعله مبارزه برای تحولی انقلابی را فروزان نگاه می دارد. به این دلیل، این حرکتها هر چند هم در شرایط اختناق کوچک باشد، موفقیتی برای جنبش دانشجویی به طور خاص و جنبش اجتماعی به طور عام به حساب می آید.

نقاشی

بیش از ۲۷۰ اثر
ناشناخته از پیکاسو کشف
شد

در فرانسه بیش از ۲۷۰ اثر



ناشناخته از پابلو پیکاسو کشف شده است. خبرگزاری فرانسه خبر داده است که عکسها، کولژها و طرحهای یافته شده از پیکاسو بیش از ۶۰ میلیون یورو (حدود ۹۰ میلیون دلار) ارزش دارد.

این آثار نزد مرد بازنشسته ای به نام "پیر لوگنک" بوده که در "کوت دازور"، ساحل مدیترانه ای جنوب فرانسه زندگی می کند. این مرد ۷۱ ساله در اوایل اکتبر سال جاری به "کلود پیکاسو"، پسر نقاش معروف مراجعه کرد تا از او بابت اصل بودن، کارها تاییدیه بگیرد اما پسر پیکاسو پلیس را خبر کرد. ماموران فرانسوی آقای "لوگنک" را دستگیر و کارهای پیکاسو را ضبط کردند.

بنا به گزارش روزنامه "لیبراسیون"، آقای "لوگنک" در سه سال آخر زندگی، پیکاسو به عنوان برقکار نزد او کار می کرده و برای ویلای او دستگاه "زنگ خطر" نصب کرده است. وی ادعا می کند که کارها را از خود پیکاسو یا همسر او هدیه گرفته است اما کلود پیکاسو می گوید که پدرش هرگز این همه کار به کسی نبخشیده است. او آقای "لوگنک" را کلاهبردار دانسته و به طور رسمی علیه او شکایت کرده است.

کارهای کشف شده به دوران جوانی پیکاسو تعلق دارد و بین سالهای ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۳ خلق شده است.

پیکاسو از نظر ثروت و شهرت و محبوبیت یکی از موفقترین و نقاش قرن بیستم شناخته می شود. این نقاش اسپانیایی تبار فرانسوی در سال ۱۹۷۳ در ۹۲ سالگی در جنوب فرانسه درگذشت.

رویدادهای هنری ماه

داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، تهمینه میلانی، رخشان بنی اعتماد و ... آن را امضا کرده اند، از سینماگران خواسته شده تا در انتخابات خانه سینما حضور موثری داشته باشند. در این نامه کوتاه خطاب به شورای مرکزی کانون کارگردانان سینما گفته شده: "ما امضاکنندگان این نامه از آنجا که در شرایط حساس فعلی، شرکت کلیه صنوف در مجمع عمومی خانه سینما جهت انتخاب هیات مدیره را ضروری می دانیم، بدین وسیله از همکاران خود در آن شورا خواستاریم که با شرکت فعال خود در این مجمع، حضور موثر کانون کارگردانان را در شکل گیری هیات مدیره جدید استمرار بخشند."

یولانسی؛ برنده جایزه بهترین سینماگر اروپا

"آکادمی سینمای اروپا" روز چهارم دسامبر در مراسمی در "تالین"،



پایتخت استونی، فیلم "پشت پرده نگار" (The Ghost Writer)، ساخته "رومان یولانسی" را در چند رشته اصلی، بهترین فیلم به نمایش در آمده در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد.

فیلم یولانسی، در رشته های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه جایزه گرفت.

جایزه بهترین بازیگر مرد نیز به "ایوان مک گرگور"، بازیگر بریتانیایی، برای هنرنمایی در این فیلم اعطا شد.

"پشت پرده نگار" که روی پرده عمومی نیز با موفقیت فراوان همراه بود، یک تریلر سیاسی، پرهیجان به شمار می رود.

بازداشت دو هنرپیشه و یک مجری تلویزیون در یک مهمانی

دو هنرپیشه معروف و یک مجری معروف تلویزیونی به همراه چند مربی و فوتبالیست مشهور در یک مهمانی بازداشت شدند.

جرم آنها همراه داشتن "مقادیری مشروبات الکلی در مجلس لهو و لعب" اعلام شده است.

بقیه از صفحه ۱۵

"چار جاز" (که تلفیقی از موسیقی جاز و چهار گاه ایرانی است)، "پیانگاه"، "دنیای من کجاست؟" و تنظیمی روی قطعه ای از کیوان ساکت اجرا کرد.

حسن ختام برنامه، آهنگ دیگری از شاپور باستان سیر به نام "یک جهان" بود که شعر این کار نیز از همین آهنگساز برجسته موسیقی ایرانی بود. اجرای این آهنگ به وسیله ۲ خواننده کرد و روس به طور مشترک انجام شد

آلبوم موسیقی با همراهی کیهان کلهر نامزد جایزه گرمی شد

آلبوم "فرا تر از نقشه جغرافیا" که کیهان کلهر، آهنگساز ایرانی و نوازنده کمانچه در آن نواخته است، نامزد دریافت جایزه "گرمی" در بخش موسیقی کلاسیک تلفیقی شد.

آلبوم "فرا تر از نقشه جغرافیا" از جمله آلبومهای گروه "جاده ابریشم" است که "یوبوما"، آهنگساز و ویولون زن چینی تبار آمریکایی و از چهره های نامدار موسیقی جهان آن را سرپرستی می کند.

جایزه سالانه "گرمی" که از آن به عنوان "اسکار موسیقی" یاد می شود، از سال ۱۹۵۸ به دستاوردهای برجسته در تولید موسیقی تعلق می گیرد. در حال حاضر، جایزه "گرمی" ۱۰۸ رده در ۳۰ ژانر مختلف موسیقی از سنتی تا مدرن، پاپ و جاز دارد.

پنجاه و سومین دوره این جایزه، ۱۳ فوریه ۲۰۱۱ (۲۴ بهمن) در لس آنجلس برگزار می شود. نماد این جایزه، گرامافون طلایی کوچکی است که به هر کدام از برگزیدگان اعطا می شود.

جشنواره ترومپت در جهان در روستایی در صربستان

همه ساله بزرگترین جشنواره ترومپت در جهان در روستایی در صربستان برگزار می شود.

این روستا ۲ هزار نفر بیشتر جمعیت ندارد اما در این مدت میزبان بیش از نیم میلیون توریست می شود. امسال پنجاهمین سالگرد این جشنواره است.

فیلم

دعوت کارگردانان منتقد برای
مشارکت در انتخابات خانه سینما
در یک نامه سرگشاده که کارگردانان سرشناسی همچون جعفرپناهی،

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان



به شلاق زدن پایان دهید!

سازمان دیدبان حقوق بشر، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۰ - دستگیری بیش از شصت فعال حقوق زنان در سودان در تاریخ ۱۴ دسامبر امسال نشان می دهد که قوانین این کشور احتیاج به اصلاحات فوری دارد. این زنان با برگزاری تحصن مسالمت آمیز به شلاق زدن زنان اعتراض کرده بودند. بر اساس گزارش دیدبان حقوق بشر، سیستم سودان با تحمیل یک سری ممنوعیت‌های ناروا پیرامون مسایل خصوصی زنان و نوع رفتار و پوشش در اماکن عمومی، آنها را مورد حمله قرار می دهد .

صدها زن و مرد در روز ۱۴ دسامبر با امضای دادخواستی از وزیر دادگستری سودان خواستند که شلاق زدن را محکوم کند و بسیاری از قوانین نامناسب و غیر انسانی را لغو نماید. اگرچه قانون اساسی سودان از آزادی اجتماعات دفاع می کند اما این تحصن با خشونت ماموران دولتی روبرو گشت و شماری از تظاهر کنندگان دستگیر شدند. چهل و چهار نفر از شصت نفر دستگیر شده زنان بوده اند. اگر چه دستگیر شدگان آزاد شدند اما بسیاری از آنها به اتهام برهم زدن نظم عمومی با دادگاهی شدن و پرداخت جریمه روبرو هستند .

زنان سودانی در صورت زیر پا گذاشتن ماده ۱۵۲ که گستاخی در مسایل اخلاقی را جرم به حساب می آورد، دستگیر و به تحمل ۴۰ ضربه شلاق محکوم می شوند. بر اساس این بند اگر زنی یا شلوار یا دامنی که روی زانو را نبوشاند در ملاعام ظاهر شود، به اخلاق اجتماعی دهن کجی کرده و به تحمل ۴۰ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. غیر انسانی بودن ماده ۱۵۲ قانون اساسی سودان زمانی که خانم "لوبنا حسین"، خبرنگار سودانی که با سازمان ملل کار می کند به دلیل پوشیدن شلوار دستگیر و به تحمل ۴۰ ضربه شلاق محکوم شد، به صورت جهانی مطرح گردید. خانم "لوبنا حسین" در دادگاه، قانون مزبور را به چالش گرفت و با به راه انداختن کمپینی برای لغو آن تلاش کرد .

بسیاری از مسایلی که طبق قوانین سودان زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و نظم عمومی به حساب می آید، به روابط زنان و مردان مانند رقصیدن، انتخاب پوشش، سیگار کشیدن و رفتارهای دیگری که اولیای امور آنها را غیرمشروع می دانند، ارتباط پیدا می کند.

بر پایه گزارش دیدبان حقوق بشر، قوانین نظم عمومی در سودان به طور مهمی جهت کنترل و تنبیه زنان به دلیل رفتارهای بی ضرر مانند رقصیدن در جشنهای خصوصی و شلوار پوشیدن، به صورت گسترده ای اعمال می شود. سیستم، به طور ذاتی اصول آزادی رفتارهای شخصی را زیر پا می گذارد. در قوانین سودان حتی حقوق زنان غیر مسلمان به بهانه نوشیدن مشروبات الکلی با صدور مجازاتهای وحشیانه همچون شلاق، رعایت نمی شود. این در حالیست که قانون اساسی این کشور رعایت حقوق افراد غیر مسلمان را به صراحت اعلام کرده است اما آنان نیز از مجازاتها بر اساس قوانین شریعت اسلام در امان نیستند .

شلاق زدن در بند ۵ کمیسیون حقوق بشر و حقوق مردم آفریقا به عنوان امری ظالمانه، غیر انسانی و پست که قادر نیست به عنوان مجازات و درمان معضلات اجتماعی به کار گرفته شود، ممنوع اعلام شده است

دیدبان حقوق بشر از دولت سودان خواسته است که استانداردهای حقوق بشری بین المللی را رعایت کند. بدینوسیله دولت سودان ملزم به لغو همه قوانین سرکوبگرانه به ویژه شلاق زدن به عنوان درس اخلاق می باشد. دولت سودان می بایست از دستگیری کسانی که به صورت مسالمت آمیز با برگزاری تظاهرات و یا تحصن اعتراض خود را به این قوانین نشان می دهند، دست بردارد و از همه اتهامات علیه دستگیر شدگان تحصن اخیر صرف نظر کند. دیدبان حقوق بشر در این گزارش اضافه می کند که اولیای امور سودان با تنبیه کردن زنان به دلیل رفتارشان نه تنها به طرز روشن و موثری حقوق اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی آنها را لگدمال کرده اند، بلکه به دیگر حقوق بنیادین آنان تجاوز می کنند.

از زنان دهلی در برابر تجاوز جنسی محافظت کنید!

نیو کرالا، ۱۳ دسامبر ۲۰۱۰ - "مرکز حمایتی شمال شرقی در دهلی"، یک گروه مدافع حقوق بشر از ماموران دولتی دهلی مصرانه می خواهد که به امنیت زنان به ویژه زمانی که از سر کار شبانه خود باز می گردند، اهمیت دهد و آن را تامین کنند .

چندی پیش دختر هیجده ساله ای زمانی که به دنبال مادرش که کارگر کارخانه است رفت، مورد تجاوز قرار گرفت. پیش از این نیز زنان زیادی شبانه در مناطق مختلف دهلی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند .

مردان بحرینی، الهام بخش مردان لبنانی در منع اعمال خشونت علیه زنان

خلیج تایمز، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۰ - مردان بحرینی که از حقوق زنان دفاع می کنند، الهام بخش مردان کشور همسایه خود شده اند. اعضای "شبکه مردان بحرینی برای پایان دادن به خشونت علیه زنان" در مراسم تشکیل شبکه ای همانند شبکه خود در لبنان حضور پیدا کردند .

شرکت آنان در مراسم تشکیل "شبکه مردان لبنانی برای پایان دادن به خشونت علیه زنان" همزمان با روز منع خشونت علیه زنان و همچنین گرامیداشت روز جهانی حقوق بشر نیز بود. شبکه مزبور دومین شبکه از نوع خود در کشورهای عربی بعد از شبکه مردان بحرینی به حساب می آید .

"شبکه مردان بحرینی برای پایان دادن به خشونت علیه زنان" در پانزده جولای سال ۲۰۰۹ با حمایت سازمان ملل تاسیس شد. اعضای این شبکه را اعضای دولت بحرین، هیات قانونگذاری، کارکنان رسانه های گروهی، افراد مستقل و آکادمیک تشکیل می دهند.

آمار قاچاق زنان در دوبی افزایش یافته است

زاویا، ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰ - "بنیاد دبی برای زنان و کودکان" اعلام می دارد، دوبی در حالی برای شصت و یکمین بار روز جهانی حقوق بشر را جشن می گیرد که قاچاق انسان در حال افزایش است و بیشتر قربانیان را زنان و کودکان تشکیل می دهند .

این موسسه که برای کاهش خشونت علیه زنان و کودکان با حمایت، جلوگیری و پیشرفت، فعالیت می کند، متذکر می شود که تعداد کسانی که برای رسیدن به اهداف موسسه به فعالیت مشغولند در سالهای اخیر نیز افزایش یافته است. بر اساس گزارش این موسسه، بیشتر قربانیان زن ابراز می دارند که به آنان وعده کار با دستمزد بهتر داده شده است اما ابتدا به آمیزش جنسی با افراد بیشمار مجبور گشته و سپس به اجبار به بازار تجارت

سکس برای استثمار جنسی بیشتر به فعالیت مشغول شده اند. ۴۰ درصد از قربانیانی که با این موسسه در ارتباط قرار گرفته اند، ابراز می دارند که نمی دانند چه کس یا کسانی مسوول قاچاق آنان هستند. برخی می گویند که صاحب کار و یا پدر آنان مسوول وضعیت بحرینی است که در آن گرفتار گشته اند. بسیاری از قربانیان با داشتن ویزای کاری وارد دوبی شده و به خودفروشی مشغول می گردند. زنان بنگلادشی بیش از ۲/۳ یا ۶۳ درصد، زنان اندونزیایی ۱۰ درصد، زنان آلمانی، عراقی و چینی ۶.۷ درصد و زنان هندی و پاکستانی ۳.۳ درصد از قربانیان قاچاق انسان در دوبی را تشکیل می دهند .

"بنیاد دوبی برای زنان و کودکان" اضافه می کند که با برگزاری سمینارهایی که دانشجویان دانشگاهها نیز در آن فعالند، تلاش می کند که درک عمومی را نسبت به رشد فزاینده این پدیده ناهنجار افزایش دهد.

پایمالی حقوق بنیادین زنان در افغانستان همچنان فراگیر و متداول است

آسوشیتدپرس، ۹ دسامبر ۲۰۱۰ - بر اساس گزارش سازمان ملل، انجام آداب و رسوم مخرب علیه حقوق زنان که شامل قتل ناموسی، ازدواج اجباری و ازدواج دختران بسیار جوان برای تصفیه حساب مشاجرات قومی و خانوادگی می باشد، در کشور افغانستان همچنان فراگیر و متداول است. سازمان ملل بر اساس این گزارش از دولت افغانستان می خواهد که با وضع قوانین، به تازهانه زدن زنان پیرو آداب و رسوم خرافی پایان دهد. این مساله بر اساس گزارش بسیاری از تشکلهای و انجمنهای مدافع حقوق زنان و بشر در همه مناطق شهری و روستایی افغانستان اعمال می شود. رعایت این آداب و رسوم نه تنها بر اساس قوانین افغانستان بلکه، بر اساس قوانین شریعت اسلام در بین گروههای قومی متفاوت اجرا می گردد .

گزارش ۵۶ صفحه ای سازمان ملل زیر عنوان "رعایت آداب و رسوم مضر و ضرورت اجرای قوانین کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض و خشونت علیه زنان در افغانستان" اضافه می کند که میلیونها زن و دختر افغانی با رنج و درد بسیاری روبرو هستند. آنان از تحقیر و تبعیض روزمره علیه خود رنج می برند که این مساله موقعیت اصلی و مهم زنان در جامعه افغانستان را محدود می سازد. گزارش سازمان ملل در رابطه با موقعیت خاص زنان در افغانستان متذکر می شود که بزرگان و رهبران اجتماعات نقش مهمی در پایان دادن و شدت و حدت این معضل ایفا می کنند.

بقیه در صفحه ۱۸

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۷

بسیاری از ساکنان افغانستان که با خشونت علیه زنان مخالفند نیز معتقدند که با بالا بردن آگاهی افراد مذهبی در رابطه با وظیفه اخلاقی آنان در پایان دادن به خشونت علیه زنان می توان گامی جدی در مسیر رفع آن برداشت. دولت افغانستان می بایست به سرعت قانون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان را به اجرا در آورد تا دیگر زنان افغانی تنها راه فرار از خشونت را در خودکشی از طریق خودسوزی نبینند. زنان در افغانستان برای فرار از خشونت وقتی کسی صدای ضجه آنان را نمی شنود و از آنان حمایت نمی کند، خود را به آتش می کشند.

یکی از دلایل پایدار ماندن رعایت ستهایی که حقوق زنان را پایمال می کند، عدم آگاهی اولیای امور و ماموران دولتی از کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان و یا عدم توانایی در اجرای آن می باشد. بسیاری از زنان افغانی که به دلیل اعمال خشونت از خانه فرار می کنند، توسط ماموران دولتی به دلیل "قصد برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج شرعی" دستگیر شده و زندانی می شوند. این در حالیست که وقتی شرایط فرهنگی و اجتماعی قادر نیست از زنان در مقابل اعمال خشونت دفاع کند، آنها به اجبار از خانه می گریزند.

معضل ازدواج اجباری که بسیار در کشور افغانستان متداول است، مساله سلامت و آموزش دختران جوان را به خطر می اندازد. بدین گونه است که افغانستان بالاترین نرخ مرگ مادران در زمان زایمان و یا بارداری را در میان کشورهای جهان دارا می باشد. نرخ مرگ و میر دختران زیر شانزده سال هنگام بارداری در این کشور بسیار بالاست.

سازمان ملل در این گزارش از دولت، قضات دادگاهها و دستگاه امنیتی مصرانه می خواهد که به کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان را دقیقاً رعایت کنند. افزوده بر این، از فعالان حقوق زنان همراه با مراکز آموزشی دولتی می خواهد که ملایان، امامان و تمامی رهبران مذهبی را به رعایت حقوق زنان متعهد ساخته و به آنها بفهمانند که تداوم آداب و رسوم که حقوق زنان را پایمال می سازد، نه تنها حقوق زنان را پایمال می کند بلکه قادر است چهره مذهب و آنچه آنان تبلیغ می کنند را خدشه دار سازد.

افزایش اعمال خشونت علیه زنان در روسیه

رویت، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۰ - در دو سال اخیر، شمار کودکانی که توسط

همسران زنان روسی برای انتقام گرفتن از زنان و شمار زنانی که از طرف ماموران دولتی مورد خشونت قرار گرفته اند، در کشور روسیه افزایش یافته است. بر اساس گزارش مدافعان حقوق زنان در این کشور، تقریباً ۱۴ هزار زن روس سالانه و یا یک زن در هر چهل دقیقه، جان خود را به دلیل اعمال خشونت خانگی از دست می دهند. این گزارش به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان توسط یک سازمان غیر دولتی که جهت پایان دادن به خشونت علیه زنان در روسیه فعالیت می کند، منتشر شد. دبیر این سازمان، خانم "اندره سینلیکف" متذکر می شود که میزان مرگ و میر زنان بر اثر اعمال خشونت بیش از اینهاست زیرا که بسیاری از زنان به دلیل جراحتهای شدید در بیمارستان بستری می شوند و جان خود را از دست می دهند و هرگز مشخص نمی شود که آیا این جراحتهای به دلیل اعمال خشونت خانگی بوده یا نه.

یکی از دلایل بالا بودن نرخ مرگ و میر زنان در اثر اعمال خشونت خانگی، ضعیف عمل کردن دستگاه قضایی می باشد که می بایست مردانی که همسران خود را مورد آزار و اذیت قرار می دهند را از دسترسی به آنها محروم سازد. یکی از دیگر دلایل، عدم تمایل دادگاهها به رسیدگی به شکایتهای زنانی می باشد که به طور مرتب هدف خشونت خانگی قرار گرفته و از این مساله به دادگاه شکایت برده اند. ۶۰ تا ۷۰ درصد زنان روسی به دلیل بوروکراسی حاکم، از ادامه شکایت از همسران خود پیرامون آزار و اذیتهای فیزیکی و جنسی خودداری می ورزند و بسیاری دیگر هنگامی که تصمیم می گیرند همسران خود را رها کنند، به قتل می رسند.

طناب دار سیستم قضای رژیم جان شهلا جاهد را گرفت

به گزارش خبرگزاریهای گوناگون، شهلا جاهد، همسر صیغه ای ناصر محمد خانی، فوتبالیست و مربی سابق تیم پیروزی که به جرم قتل لاله سحر خیزان، همسر دایم وی از ۱۷ تیر ماه سال ۸۱ تا تاریخ ۱۰ آذر ماه امسال در زندان به سر می برد، در ساعت پنج صبح روز چهارشنبه ۱۰ آذر ماه در محوطه داخلی زندان اوین به وسیله چوبه دار به قتل رسید.

قابل ذکر است که وی به جز یک مرتبه اعتراف نمایی و به ظاهر مورد توافق با محمدخانی، در

بازسازی صحنه، هرگز به قتل اعتراف نکرد و خود را مرتب بی گناه می دانست. او خود را قربانی و بازیچه حرکت مرموزانه ناصر محمد خانی می دانست و تاکید می کرد که ناگفته هایش رازی بزرگ بر دل اوست.

متهم شناختن شهلا جاهد از سوی بیدادگاههای رژیم تبهکار ولایت فقیه، غیر قابل قبول و اعدام وی توسط سیستمی که با سپردن جان فردی به اولیای دم به رشد و نمو ضد ارزشهای فرهنگی و اجتماعی میدان می دهد و نیز تحمیل بی شرمانه مجازات دوگانه (هم ۹ سال تحمل زندان و هم اعدام) بر این قربانی، به شدت محکوم است.

اعمال خشونت خانگی علیه زنان در ویتنام

ارت تایمز، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۰ - بر اساس تحقیقاتی که با همکاری سازمان ملل با دولت ویتنام انجام شده است، یک زن از هر سه زن متاهل ویتنامی ابراز داشته که زمانی در دوران زندگی با همسر خود مورد آزار و اذیت فیزیکی یا جنسی قرار گرفته است. این اولین تحقیقات ملی در رابطه با مساله اعمال خشونت خانگی علیه زنان در کشور ویتنام می باشد. نمایندگان سازمان بهداشت جهانی عنوان می کنند که این حقیقت تاریکی است که زنان ویتنامی تحت تاثیر اعمال خشونت خانگی از بیماری روحی و فیزیکی در رنجند. ۵۸ درصد از زنان ویتنامی عنوان کرده اند که دست کم یکی از فرمهای خشونت خانگی (فیزیکی، روحی و جنسی) را در طول مدت زندگی خود تجربه کرده اند.

نزدیک به ۳۲ درصد از زنان ویتنامی متاهل گزارش داده اند که در طول زندگی مشترک خود مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته اند، ۶ درصد از این زنان متذکر می شوند که در طول دوازده ماه گذشته مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار گرفته اند. بیش از ۵ درصد از زنان باردار ویتنامی نیز اعلام داشته اند که در زمان بارداری توسط همسران خود کتک خورده اند. این در حالیست که ۱۰ درصد از زنان قربانی می گویند مورد خشونت جنسی قرار گرفته اند که ۴ درصد از آنها خشونت جنسی را در مدت یکسال گذشته نیز تجربه کرده اند.

افزوده بر این، تحقیقات مزبور نشان می دهد که ۵۴ درصد از این زنان از اعمال خشونت روحی شکایت کرده اند که ۲۵ درصد از آنان می گویند هنوز مورد خشونت روحی از سوی همسران خود قرار می گیرند.

بای بای آقای وزیر

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۲۳ آذر

روز دوشنبه ۲۲ آذر، منوچهر متکی، سفیر بی بو و خاصیت مورد خشم احمدی نژاد قرار گرفت و از کار برکنار شد. متکی که هفتمین قربانی سیاست بی دنده و ترمز احمدی نژاد است، خود از ذوب شدگان در ولایت است که در حال



انجام ماموریت مورد بی مهری پاسدار احمدی نژاد قرار گرفت.

جدال بین منوچهر متکی و محمود احمدی نژاد که یک بار با دخالت ولی فقیه ظاهراً فروکش کرده بود، یکی از چالشهای درون حوزه سینه چاکان ولایت فقیه است که هر روز به شکلی بروز علنی پیدا می کند.

واکنس احمدی نژاد به مخالفتهای اخیر متکی، پیام مشخصی را برای باندهای درونی جریاناتی که خود را اصولگرا می نامند به همراه دارد. فقط برای ولی فقیه سینه زدن کافی نیست. احمدی نژاد هم سینه چاک ولی فقیه، هم امر بر سپاه پاسداران که شریانیهای اقتصادی و سیاسی را در دست گرفته و بالاخره غلام حلقه به گوش باند ارادل و اوباش می خواهد. جبهه بندی باندهای درون رژیم بر اساس این سه خواست باید سامان پیدا کند.

با چنین شرایطی خودیها یا باید احمدی نژاد را درسته قورت دهند و در این ترکیب جدید ذوب شوند و یا مورد غضب او قرار خواهند گرفت. در اوایل شهریور ۸۹ هنگامی که احمدی نژاد بدون رضایت متکی، نمایندگان ویژه ای برای امور خارجی تعیین کرد، از سمت خود عزل شده بود. زیرا همان طور که خود متکی این انتصابها را «دخالت در وظایف امور خارجه و تشکیل ارگانهای موازی» دانسته و با آن مخالفت کرده بود، احمدی نژاد با این عمل، به طور غیر مستقیم جایگاه متکی را به یک جایگاه نمایی رسانده بود و این متکی بود که نفس نفس زنان برای حفظ قدرت می دوید که سرانجام برکنار شد. عزل متکی بدون شک شکاف درون هرم قدرت را عمیق تر کرده و واکنشهای مختلفی را به دنبال خواهد داشت.

ولایت فقیه به جان مردم و آتش به جنگلهای کشور افتاده است

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۱۹ آذر جنگلهای ایران همچنان می سوزند. رژیم ضد مردمی و بر باد دهنده ثروت ملی مردم نه تنها به فکر خاموش کردن آن نیست، بلکه با حرافی و کم اهمیت جلوه دادن آن، روند نابودی طلای سبز کشور ما را سرعت می بخشد.

بیش از سه هفته است که آتش به جان جنگلهای شمال کشور افتاده است. این آتش سوزی از جنگلهای گلستان شروع شد و اکنون خبر می رسد که گسترش یافته و به جنگلهای شاهرود رسیده است. در این مدت بارها مسوولان دولتی از مهار آتش خبر داده اند اما این دروغگویی با شعله های سر به فلک کشیده آتش از پرده برون می افتد و آنان نیز بی شرمانه به نوعی دروغ خود را توجیه می کنند. این درحالی است که جنگلهای یکی از منابع مهم ثروت ملی، ریه شهرهای آلوده و از منابع بزرگ محیط زیست ما محسوب می شود. بی توجهی به نگهداری از جنگلهای، تخریب بخشهایی از آن توسط وابستگان به پایوران رژیم برای گسترش شهرک سازیها، نابودی و از دم تراش کردن جنگلهای برای به دست آوردن سود بیشتر و اکنون آتش سوزی از بلایایی است که رژیم منحوس ولایت فقیه به جان جنگلهای کشور انداخته و کمربند به نابودی این ثروت ملی کشور بسته است.

در طول همه این سالها نه تنها رژیم کوچکترین توجهی به نگهداری از جنگلهای نکرده است، بلکه تخریب و نابودی آن را نیز باعث شده است. به غیر از آن، ابزار و وسایل جلوگیری و اطفای حریق جنگلهای همان است که در گذشته های دور بوده و هیچ تلاشی در جهت گسترش و ارتقای تجهیزات لازم صورت نگرفته است. به همین دلیل است که یک آتش سوزی کوچک به سرعت و روز به روز دامنه وسیع تری می گیرد و می تواند بخش بزرگی از جنگلهای کشور را به کام خود بکشد.

رژیم جمهوری اسلامی بخش زیادی از ثروت ملی مردم را صرف صدور تروریسم، تهیه جنگ افزارهای غیر متعارف از همه بدتر بمب اتمی می کند و هیچ طرح یا بودجه ای برای حفظ محیط زیست و جنگلهای کشور ندارد.

به نظر می رسد فرستادن پول برای ساخت و ساز در کشورهای دیگر و دست و پا کردن متحد برای رژیم از جلوگیری از نابودی ثروت ملی مردم مهم تر است. به همین دلیل مسوولین حکومتی در اظهارنظرهای خود از مردم می خواهند دعا کنند تا باران بیبارد تا شاید آتش افتاده به جان جنگلهای خاموش شود. این به معنی واگذار کردن کار مردم به طبیعت است و باز کردن آن از سر خود!

آیا چنین حکومتی و پایوران آن شایسته کوچکترین احترام و تکریمی هستند؟

چه کسی از قتل دانشمندان پروژه اتمی سود می برد؟

منصور امان

فراسوی خبر... ۱۳ آذر در گرد و غبار ناشی از انفجارهای روز دوشنبه، رهبران و پایوران جمهوری اسلامی سنگر گرفته و به هر سو، اتهام شلیک می کنند. بر فراز هیاهو و جنجال به راه افتاده در این معرکه، ابر مترامی از مظلونین احتمالی مُعلق است که از اینتلجنت سرویس تا شورای امنیت و از سپا و موساد تا آژانس بین المللی انرژی اتمی ترکیب شده است.

برخلاف آنچه که در نگاه اول به نظر می رسد، دایره وسیع و به همین اندازه غیر دقیقی که رژیم ولایت فقیه مُتهمان ترورها را در آنجا جُستجو می کند، فقط نشاندهنده کورمال رفتن دستگاه های امنیتی و پلیسی آن در تاریکی نیست. بیش از همه، پُر شماری آدرسها از اراده جُستجو کنندگان به نرسیدن به مقصد اصلی حکایت می کند.

این امر به ویژه هنگامی برجسته می گردد که به تلاش هماهنگ دستگاه های تبلیغاتی رسمی و مقامهای گوناگون برای ترسیم نقاط وصل بین ترورهای اخیر و مخالفان و مُتقدمان حکومت توجه شود. سود نقد این سناریو به سادگی محاسبه پذیر است: برخلاف مظلونینی همچون سرویسهای جاسوسی انگلیس و اسرائیل که حداکثر یک هویت مجازی به شمار می آیند، مُتهمانی که از آنها به عنوان "عوامل داخلی بیگانه"، "جاسوسان"، "مُتفقان" و ... یاد می شود، به خوبی می توانند با همت دستگاه امنیتی - قضایی، هویت حقیقی پیدا کنند.

دادگاه های نمایشی سال گذشته که بر بُنیاد مجموعه ای از همه ی اتهامهای کهنه یا تازه ابداع شده علیه مخالفان و مُتقدمان بر پا گردید، نزدیک ترین شاهد این ادعا است. بنابراین، مُستقل از اینکه در پس تازه ترین ترورها و نیز قتل آقای علیمحمدی، یک دانشمند اتمی دیگر در دی ماه سال گذشته چه کسی ایستاده باشد، حقیقت آن است که منافع سیاسی باند نظامی - امنیتی ولی فقیه در شفاف نشدن جوانب گوناگون این پرونده ها (انگیزه، بستر، عامل) نهفته است. آقای خامنه ای و گزمه هایش از انفجارها به عنوان دستاویزی دیگری برای فشار و سرکوب، بهره می برند.

این نُکته ای است که آقای جعفری دولت آبادی، دادستان تهران زمان کوتاهی پس از انفجارها با اندکی ناشیگری به زبان آورد: "امیدوارم این پرونده به سرنوشت پرونده استاد علیمحمدی تبدیل نشود ... قابل قبول نیست که پرونده ها این گونه شود."

دستگیری فریبرز رئیس دانا محکوم است

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۳۰ آذر سرانجام روز موعود فرا رسید و احمدی نژاد که با شعار بردن پول نفت بر سر سفره مردم به ریاست جمهوری رژیم رسید، با حذف یارانه ها، غیر عادلانه ترین بخش بسته های پیشنهادی صندوق بین المللی پول را به اجرا گذاشت. فراروری اجرایی شدن این سیاست نتولیرالیستی آن هم با سرکوب و فشار، بدون شک فقر و گرسنگی را به سفره های مردم تقدیم خواهد کرد. فریبرز رئیس دانا، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و استاد اقتصاد در اولین ساعات روز یک شنبه ۲۸ آذر ماه توسط ماموران امنیتی دستگیر شد و تاکنون اطلاعی از او در دست نیست.

فریبرز رئیس دانا به دلیل گفتگو با رسانه ها و طرح نظرات انتقادی اش در مورد حذف یارانه ها، ساعاتی قبل از اجرایی شدن این طرح دستگیر شد. کانون مدافعان حقوق کارگر طی اطلاعیه ای در مورد بازداشت رئیس دانا اعلام کرده است که: «رئیس دانا هیچ جرمی جز بیان خواسته های کارگران و زحمتکشان مرتکب نشده است. زبان و قلم گویای او خواسته های واقعی میلیونها انسان زحمتکشی است که در زیر خط فقر زندگی می کنند.»

دستگیری رئیس دانا برای ایجاد رعب و خاموش کردن اعتراضهای احتمالی به این طرح است. پایوران رژیم هر گونه مخالفتی با طرح فوق را از مصادیق فتنه اقتصادی اعلام کرده اند. گسیل نیروهای انتظامی و بسیج به خیابانها و ایجاد نوعی حکومت نظامی در آستانه اجرا شدن این طرح، بیانگر وحشت رژیم از واکنش مردم به این طرح است. دستگیری رئیس دانا در ادامه همین سیاست سرکوبگرانه و محکوم است. فریبرز رئیس دانا، فعالان کارگری و دانشجویی و همه زندانیان سیاسی باید پلادرنگ و بدون قید و شرط آزاد شوند.

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حضر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۰ یورو
اروپا معادل ۲۴ یورو
آمریکا و کانادا ۳۶ یورو
استرالیا ۴۰ یورو
تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه

جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار

رویدادهای روز ایران و جهان،

تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنبرداری

(راديو پيشگام)

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com
www.radiopishgam.com
www.fadaian.org

موقعیت مات برای رژیم در شطرنج اتمی

جعفر پویه

فراسوی خبر ۱۲ آذر کمتر از یک هفته به آغاز گفتگوی کاترین اشتون، نماینده ۵+۱ با سعید جلیلی، مذاکره کننده ارشد رژیم در ژنو، روز گذشته (پنجشنبه) نشست دو روزه اعضای شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در وین آغاز به کار کرد. در شروع این نشست یوکیو آمانو، مدیرکل آژانس از نشست هفته آینده سعید جلیلی با کاترین اشتون استقبال کرد و گفت: "ایران تاکنون همکاری لازم را با آژانس نداشته است و به همین جهت این نهاد قادر نیست تایید کند که تمامی فعالیتهای هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است."

دبیرکل آژانس همچنین تاکید کرده: "با وجود توقف موقت غنی‌سازی اورانیوم در ایران به دلیل مشکلات فنی، ایران بر تعداد سانتریفوژهای خود افزوده و ذخیره اورانیوم غنی شده اش را افزایش داده است."

روز گذشته با توجه به گزارش دبیرکل که در آن آمده "فعالیتهای هسته‌ای احتمالی ایران در گذشته یا حال با مشارکت سازمانهای نظامی، شامل فعالیتهای مرتبط با ساخت یک کلاهک هسته‌ای است"، بسیاری از اعضای حاضر در جلسه خواستار ارایه نظر در مورد برنامه اتمی رژیم به شورای حکام شدند.

این درحالی است که بان کی‌مون، دبیرکل سازمان ملل متحد سه شنبه گذشته با توجه به گزارش مدیرکل آژانس گفت: "مقامهای ایرانی موظف هستند ثابت کنند که برنامه هسته‌ای آنها اهداف نظامی را دنبال نمی‌کند و برای مقاصد صلح‌آمیز است. این مسؤلیتی است که برعهده ایرانیها قرار دارد."

اما با همه این احوال دفتر خانم اشتون اعلام کرده که در روزهای ۶ و ۷ دسامبر در ژنو با سعید جلیلی دیدار و گفتگو خواهد کرد. از سوی دیگر، در حالی که جامعه جهانی خواهان توقف برنامه اتمی رژیم و توضیح درباره

ماهیت نظامی آن است، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور برگزیده رهبر و ولی فقیه رژیم روز سه شنبه گذشته در ساری گفت: "در مذاکرات هسته‌ای ذره‌ای از حقوق ایران عقب نشینی نمی‌کنیم."

این گفته به معنی رد هرگونه توافق بر سر این مشکل است. او که بارها خواستار ادامه مذاکره از تریبونهای مختلف شده بود که مورد بی توجهی جامعه جهانی قرار گرفت، اکنون می‌گوید: "ای کاش اکنون هم چند ماه دیگر صبر می‌کردید تا نتیجه آن تصمیمات غلط به طور کامل برای شما آشکار می‌شد و بعد تقاضای ادامه مذاکرات می‌کردید."

مقصود احمدی نژاد از "تصمیمات غلط"، تحریمهای شدیدی است که جامعه جهانی علیه رژیم وضع کرده است. اما درخواست مذاکره نه تنها از سوی خانم اشتون داده نشده بلکه پیش دستی متکی در اعلام تاریخ مذاکره که توافقی بر سر آن نشده بود نیز با اعتراض بسیاری روبرو شد.

همین کسانی که دربدر به دنبال مذاکره و جلوگیری از برقراری تحریمهای بیشتر بودند، اکنون به گونه ای دیگر حرف می‌زنند و سعی می‌کنند تا اعمال خود را برای مردم ایران توجیه کنند، بی خبر از اینکه با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی دیگر چنین کاری ممکن نیست.

درباره ماهیت مذاکره و گفتگو با جامعه جهانی، احمدی نژاد در ساری گفت: "ایران همواره در شرایط برابر و فضای احترام آماده گفتگو است اما لازم است که شما برای ادامه مذاکرات، ابتدا دست از اخلاق طاغوتی خود بردارید تا بتوانیم در فضایی برابر، در خصوص مسایل مهم جهانی و بین المللی با هم گفتگو کنیم."

از وقاحت احمدی نژاد و پایوران رژیم همین بس که آنها قادر به حل و فصل مشکلات حداقلی مردم ایران نیستند و هر گونه صدای اعتراضی به سیاستهای غلط خود را با گلوله و سرکوب پاسخ می‌دهند اما از جامعه جهانی می‌خواهند تا "در شرایط برابر و فضای احترام در خصوص مسایل مهم جهانی و بین المللی گفتگو کنند". آیا کسی می‌تواند این حد از وقاحت و دردیگی را اندازه بگیرد؟

حقوق بشر "مقوله‌ای فرهنگی" نیست

لیلا جدیدی

فراسوی خبر اول آذر محمد جواد لاریجانی، دبیر ستاد (ضد) حقوق بشر قوه قضاییه جمهوری اسلامی در اعتراض به محکومیت نقض حقوق بشر رژیم توسط کمیته سوم سازمان ملل متحد با اعلام عدم تعهد حکومت ایران نسبت به مفاد "اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل" ادعا کرد که حقوق بشر و حکم سنگسار "یک مساله فرهنگی" است.

وی تنها به چانه زنی در فروش جنس نامرغوبی که بهای نازل آن بیشتر تعیین شده است و قابل چانه زنی نیست کفایت نداد، بلکه به فریبکاری، دیگر گزینه مرسوم رژیم نیز متوسل شد و گفت، جمهوری اسلامی "در شرایط طبیعی از آمدن گزارشگر به ایران استقبال می‌کند"، واضح است که این "شرایط طبیعی" با محکومیت رژیم به شرایط غیر طبیعی تبدیل شده است.

نماینده جمهوری اسلامی با اظهارات خود، دوباره بر سنگسار متهمان که ارتکاب به جنایت و بدترین نوع قتل توأم با شکنجه است، اصرار ورزید. با این وجود، محمد تقی رهبر، عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ارتجاع مدعی شد که "تا کنون مجازات سنگسار به اجرا گذاشته نشده". این درحالی است که همزمان، رییس دادگستری آذربایجان شرقی از بررسی سنگسار خانم سکینه محمدی در قوه قضاییه خبر داد و تاکید کرد: "اگر حکم او تایید نهایی شود، سنگسار اجرا می‌شود."

سازمان ملل متحد بحث جهانشمول بودن حقوق بشر و یا فرهنگی بودن آن را در مراحل متعددی مطرح و بررسی کرده است و در نهایت به این نتیجه رسیده است که چنانچه فرهنگ در امر حقوق بشر مداخله داده شود، موجب "بی‌اعتنایی، سوو استفاده و تخلف گسترده" از آن خواهد گردید. از

شهدای فدایی

دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصبیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

این رو در منشور سازمان ملل آمده است، حقوق بشر "برای همه، بدون هیچ تفاوتی" یکسان است و می‌افزاید: "حقوق بشر حق طبیعی انسان از بدو تولد در همه جهان است."

در حقیقت نیز گستره قوانین بین المللی در تضمین حقوق بشر، فرهنگ و سنت را نیز در برمی‌گیرد. اگر چه منشور حقوق بشر سازمان ملل در نهاد خود دارای نقایصی است، با این حال، قراردادی مبنایی و بین المللی است که کسانیکه صدلیهای این نهاد جهانی را برای سخنرانیهای خود اشغال می‌کنند، باید بدان پایبند باشند؛ امری که رفتار رژیم جمهوری اسلامی آن را نشان نمی‌دهد.

بنا به گزارش "سازمان حقوق بشر ایران" (۳۱ مرداد ۱۳۸۹)، مجازات سنگسار توسط مقامهای ایران در چهار سال گذشته، هر سال اجرا گردیده است. در این گزارش همچنین علاوه بر خانم آشتیانی، اسامی ۱۰ زن و ۳ مرد محکوم به مجازات سنگسار که هم اکنون در زندان بسر می‌برند، به چشم می‌خورد. "سازمان حقوق بشر ایران" تاکید می‌کند که آمار ذکر شده در گزارش آن به احتمال زیاد کمتر از تعداد واقعی است.